



سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴



دفترچه سؤال

تسلط بر کل کتاب



دوشنبه

۱۴۰۴/۰۲/۲۹



ماز

پایه دوازدهم - همه رشته های نظری
آزمون جامع شبیه ساز امتحانات نهایی ماز - شب امتحان

زمان پاسخگویی	تعداد صفحه	درس
۱۰۰ دقیقه	۵	فارسی

برای شباهت حداکثری به امتحانات نهایی، صفحه آرایی، فونت و حتی اندازه متن در تمامی آزمون های تشریحی ماز، کاملاً یکسان با استاندارد امتحانات نهایی در نظر گرفته می شود.

حق چاپ و تکثیر سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز «گروه ماز» مجاز می باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می شود.

به دلیل عدم رضایت تیم ماز، هر گونه استفاده غیر قانونی از دفترچه سؤالات و پاسخنامه ماز برای تمامی اشخاص، شرعاً حرام است.

فارسی ۳

کل کتاب

بودجه‌بندی این آزمون

استراتژی و هدف گذاری در آزمون شبیه‌ساز نهایی ماز

- تبدیل به یک دانش‌آموز حرفه‌ای در امتحان تشریحی و ۲۰ گرفتن
- تسلط بر نحوه تشریحی نوشتن در حد یک مصحح آموزش و پرورش
- تمام اشتباهات احتمالی در امتحان نهایی رو قبل از امتحان نهایی تجربه کنید

زودبسته

دوپینگ فوری برای شب امتحان

اگه قصد دارید خیلی زود به نمره ۲۰ برسید، دوره «زود ۲۰» برای شماست!

- ۱۱ مرحله آزمون شبیه‌ساز و پیش‌بینی نهایی برای ۱۱ درس امتحان نهایی
- تصحیح فوری آزمون شب امتحان به سبک آموزش و پرورش
- جزوه دوپینگ فوری شب امتحان + راهنمای کامل تشریحی نویسی ویژه هر درس

هدیه ویژه: بسته کتاب‌های ۲۰ شو در اپلیکیشن دیجی‌ماز





به نام خدا

آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۳	تعداد صفحه: ۵	رشته: همه رشته‌های نظری	ساعت شروع:
دوره دوم متوسطه - دوازدهم	تاریخ آزمون: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹	نام و نام خانوادگی:	مدت زمان: ۱۰۰ دقیقه

آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی		گروه آموزشی ماز	
ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)	نمره	
۱	الف) قلمرو زبانی (۷ نمره) معنی کدام واژه مشخص شده به درستی نیامده است؟ (الف) همچو نی زهری و تریاقي که دید؟ (پادزهر) (ب) نهاده به طاق اندرون تخت زر (ایوان) (ج) به سوزی ده کلام را روایی (روایتگر) (د) گویی جامه‌ای است که درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته است. (خیاط)	۰.۲۵	
۲	واژه «عدلیه» در عبارت «از ترقی عدلیه چشم پوشیدم و به دنبال ترقی‌های دیگر به راه افتادم» با کدام واژه در متن زیر مترادف است؟ «در پایتخت به تکاپو افتادم و با دانشنامه رشته حقوق قضایی به سراغ دادگستری رفتم تا قاضی شوم و درخت بیداد را از بیخ و بن براندازم».	۰.۲۵	
۳	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (الف) زین بی‌خردان <u>سفله</u> بستان (ب) <u>هیون</u> آرد از دشت صد کاروان	۰.۵	
۴	در کدام گزینه <u>غلط</u> املایی وجود دارد؟ صحیح آن را بنویسید. (الف) برای انتخاب راهبر و پیشوا که در راه آنان را رهنمون شود، قرعه زدند. غزا را قرعه به نام هدهد افتاد. (ب) وقتی آن را در زوایا و خفایای خاطر و مخیله نشخوار کردم، معلوم شد آن قدرها هم نامعقول نیست.	۰.۵	
۵	در هر یک از عبارات زیر یک <u>نادرستی</u> املایی وجود دارد. صحیح آن را بنویسید. (الف) پشت سر نیروهای ما ارتفاعات موسوم به «کله قندی» بود که دشمن با استقرار صلاح‌های زیادی قلّه را در دست داشت. (ب) پس از او عموی بزرگم که برجسته‌ترین شاگرد حوضه ادیب بزرگ بود، پس از پایان تحصیل فقه و فلسفه باز راه اجداد خویش را به سوی کویر پیش گرفت. (ج) همچنان که می‌توانست او اگر می‌خواست / کان کمند شست خم خویش بگشاید / و بیندازد به بالا بر درختی، گیره‌ای، سنگی / و فراز آید... (د) املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.	۰.۷۵	
۶	(الف) مادران نیز در تربیت و تعلیم شما چنان که باید (اهتمام - احتما)م نورزیده‌اند. (ب) گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار بیند، بگیرد و (هد - حد) زند.	۰.۵	
۷	در همه گزینه‌ها به جز ... <u>نادرستی</u> املایی وجود دارد. (الف) چنین روز مبارکی صله ارهام نکنی کی خواهی کرد؟ (ب) وحشت ناپلئون از بارنده‌گی است که توپخانه او را از تحرک باز خواهد داشت. (ج) غصه مادر و سرگردانی من و بچه‌ها حدّ و حصر نداشت. (د) راه هزاران ساله را در دل افلاک می‌پیمایند تا به سرمنزل قایی سفر کنند.	۰.۲۵	
۸	نقش دستوری ضمیر پیوسته در کدام گزینه با نقش ضمیر در مصراع «همّت بدرقه راه کن ای طایر قدس» مشابه نیست؟ (الف) در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند (ب) جهان آفرینم ندارد نگاه (ج) گفت آگه نیستی کز سر درافتادت کلاه (د) در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان گم بود	۰.۲۵	

صفحه ۱ از ۵



به نام خدا

آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۳		تعداد صفحه: ۵	رشته:	همه رشته‌های نظری	ساعت شروع:
دوره دوم متوسطه - دوازدهم		تاریخ آزمون:	۱۴۰۴/۰۲/۲۹	نام و نام خانوادگی:	مدت زمان: ۱۰۰ دقیقه
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی					
گروه آموزشی ماز					
ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)	نمره			
۹	ساختار کدام مصراع طبق الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟ الف) خویش را دیدند سیمرغ تمام ب) بفکن ز پی این اساس تزویر	۰.۲۵			
۱۰	با توجه به سروده زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «داشتم می‌گفتم آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد / بادبرف و سوز وحشتناک / لیک خوشبختانه آخر سرپناهی یافتم جایی» الف) کدام واژه را می‌توان ترکیبی نوساخته توسط شاعر دانست؟ ب) یک حرف هم‌پایه‌ساز بیابید. ج) نوع فعل «داشتم می‌گفتم» چیست؟	۰.۷۵			
۱۱	در بیت زیر، یک «وابسته وابسته» بیابید و نوع آن را بنویسید. «نهادند بر دشت هیزم دو کوه جهانی نظاره شده هم‌گروه»	۰.۵			
۱۲	نوع «وابسته وابسته» در کدام گزینه با بیت «ای مادر سرسپید بشنو / این پند سیاه‌بخت فرزند» یکسان است؟ الف) بیم آن است کز غم عشقت ب) چون بتابد آفتاب معرفت سر بر آرد دلم به شیدایی از سپهر این ره عالی‌صفت	۰.۲۵			
۱۳	در متن زیر «مرجع ضمیر» مشخص شده را بنویسید. «طاووس نیز چنین عذر آورد که من مرغی بهشتی‌ام. روزگاری دراز در بهشت به سر برده‌ام. مار با من آشنا شد؛ آشنایی با او سبب گردید که مرا از بهشت بیرون کنند.»	۰.۲۵			
۱۴	در متن زیر «جمله پیرو» را مشخص کنید. «از من همه اصرار بود و از مصطفی انکار و عاقبت کار به جایی کشید که مهمان‌ها هم با او هم‌صدا شدند و دسته‌جمعی خواستار بردن غاز گردیدند.»	۰.۲۵			
۱۵	کاربرد معنایی هر یک از فعل‌های مشخص شده را بنویسید. الف) ز هر در سخن چون بدین گونه گشت ب) سیاووش را تنگ در برگرفت بر آتش یکی را باید گذشت ز کردار بد پوزش اندر گرفت	۰.۵			
۱۶	در عبارت زیر مفهوم نشانه «ان» در واژه «بهاران» چیست؟ «در بهاران، عشق من / خنده‌ات را می‌خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم»	۰.۲۵			
۱۷	با توجه به بیت زیر درستی یا نادرستی عبارات را مشخص کنید. «گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم گفت تا داروغه را گوئیم در مسجد بخواب الف) نقش دستوری واژه‌های «والی» و «داروغه» یکسان است. (درست / نادرست) ب) فعل «نیست» در هر دو بیت اسنادی است. (درست / نادرست) ج) در هر بیت ترکیب‌های وصفی و اضافی وجود دارد. (درست / نادرست)	۰.۷۵			



به نام خدا

آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۳		تعداد صفحه: ۵	رشته:	همه رشته‌های نظری	ساعت شروع:
دوره دوم متوسطه - دوازدهم		تاریخ آزمون:	۱۴۰۴/۰۲/۲۹	نام و نام خانوادگی:	مدت زمان: ۱۰۰ دقیقه
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی			گروه آموزشی ماز		
ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)	نمره			
۱۸	همه آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟ «ز نیرنگ هوا و از فریب آرز خاقانی الف) استعاره - تشبیه - تضمین - ایهام ب) قلمرو ادبی (۵ نمره) دلت خلد است خالی ساز از طاووس و شیطان» ب) تشبیه - تلمیح - استعاره - مراعات نظیر	۰.۲۵			
۱۹	جای خالی را با واژه‌های مناسب پر کنید. الف) واژه مشخص‌شده در عبارت «روزگاری از فراز همین برج‌ها فرمان به <u>سواحل دریای سیاه</u> داده می‌شد» آرایه دارد. ب) در بیت «چو او را بدیدند برخاست غو/ که آمد ز آتش برون شاه نو» زمینه حماسی مشهود است. ج) در بیت «برکن ز بن این بنا که باید/ از ریشه بنای ظلم برکند» واژه مشبّه به است.	۰.۷۵			
۲۰	آرایه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) شانه می‌آید به کار زلف در آشفستگی / آشنایان را در ایام پریشانی پیرس (حسن تعلیل - اسلوب معادله) ب) مرد نقّال، آن صدایش گرم، نایش گرم / و دمش چونان حدیث آشنایش گرم / راه می‌رفت و سخن می‌گفت. ج) عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفت. (تشبیه - استعاره) (حسن آمیزی - جناس)	۰.۷۵			
۲۱	مفهوم کنایه‌های مشخص‌شده در هر بیت را بنویسید. الف) بدان که که شد پیش کاووس باز ب) در دفتر زمانه <u>فتد نامش از قلم</u> فروید آمد از باره <u>بردش نمناز</u> هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت	۰.۵			
۲۲	به پرسش‌های زیر پاسخ دهید. الف) «خوان هشتم» در سروده «پهلوان هفت‌خوان اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود» استعاره از چیست؟ ب) قالب شعر زیر چیست؟ «گر کسی وصف او ز من پرسد عاشقان کشتگان معشوق‌اند ج) «پروانه» در عبارت «پروانه قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد» نماد چیست؟ بیدل از بی‌نشان چه گوید باز برنیاید ز کشتگان آواز»	۰.۷۵			
۲۳	درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید. الف) درس «از پاریز تا پاریس» حسب حال است. (درست / نادرست) ب) «غزل‌واره‌ها» سروده شکسپیر است. (درست / نادرست)	۰.۵			
۲۴	پدیدآورندگان آثار زیر را بنویسید. الف) بخارای من ایل من ب) سندباد نامه	۰.۵			
۲۵	مصراع دوم بیت زیر را بنویسید. شاهد نیاز نیست که در محضر آورند	۰.۵			
۲۶	در هر مورد، کدام گزینه بیت را تکمیل می‌کند؟ الف) فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن ب) من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن الف) یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است ب) دارد اسارت تو به زینب اشارتی ۱) به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید ۲) ای روضه مجسم گودال قتلگاه	۰.۵			

صفحه ۳ از ۵



به نام خدا

آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۳	تعداد صفحه: ۵	رشته:	همه رشته‌های نظری	ساعت شروع:
دوره دوم متوسطه - دوازدهم	تاریخ آزمون: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹	نام و نام خانوادگی:	مدت زمان: ۱۰۰ دقیقه	

ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)	نمره
	آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی گروه آموزشی ماز	
۲۷	(ج) قلمرو فکری (۸ نمره) با توجه به درس «بوی جوی مولیان» منظور از «بخارا» در متن زیر چیست؟ «نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی. آب جیحون فرونشست، ریگ آموی پرنیان شد. فردای همان روز ترقی را رها کردم، تهران را پشت سر گذاشتم و به سوی بخارا بال و پر گشودم.»	۰.۲۵
۲۸	با توجه به درس «گذر سیاوش از آتش» کدام گزینه می‌تواند ادامه بیت «ز هر در سخن چون بدین گونه گشت / بر آتش یکی را نباید گذشت» باشد؟ (الف) چنین است سوگند چرخ بلند (ب) چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی که بر بی‌گناهان نیاید گزند باید زدن سنگ را بر سبوی	۰.۲۵
۲۹	ابیات زیر یادآور کدام وادی از هفت وادی عرفان است؟ (الف) صد هزاران سایه جاوید تو (ب) دل چه بندی در این سرای مجاز؟ گمشده بینی ز یک خورشید تو همت پست کی رسد به فراز؟	۰.۵
۳۰	منظور از عبارت مشخص شده چیست؟ «آن قدر خورده‌ایم که نزدیک است بترکیم. <u>گاه از خودمان نیست گاهدان که از خودمان است.</u> »	۰.۵
۳۱	مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید. (الف) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست با جان بودن به عشق در سامان نیست (ب) من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو	۰.۵
۳۲	درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید. (الف) بیت «در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز / هر کسی بر حسب فکر گمانی دارد» به نقش ظرفیت وجودی افراد در تاثیرپذیری عشق اشاره دارد. (درست / نادرست) (ب) مفهوم «جان‌فشانی در راه وطن» در بیت «خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحرزن است» مشهود است. (درست / نادرست)	۰.۵
۳۳	با توجه به عبارات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. (۱) پادشه را کرم باید تا برو گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند و تو را این هر دو نیست. (۲) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی (الف) در عبارت نخست، نویسنده چه عواملی را موجب گرد آمدن سپاه و رعیت بر پادشاه می‌داند؟ (ب) مفهوم مشترک عبارت «واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب» با بیت دوم چیست؟	۰.۵



به نام خدا

آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۳		تعداد صفحه: ۵	رشته:	همه رشته‌های نظری	ساعت شروع:
دوره دوم متوسطه - دوازدهم		تاریخ آزمون:	۱۴۰۴/۰۲/۲۹	نام و نام خانوادگی:	مدت زمان: ۱۰۰ دقیقه
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی گروه آموزشی ماز					
ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)				
۳۴	مفهوم مناسب هر بیت را از ستون «ب» انتخاب کنید. (یک مورد اضافی است)				
	الف	ب			
۳۵	معنی عبارات و ابیات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.				
	الف) سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.				
۲۰	ب) حیات از عشق می‌شناس و ممات بی عشق می‌یاب.				
	ج) چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته، جبهه شاعر را بوسیده.				
	د) از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله غریب نیست.				
	ه) شیرمردی باید این ره را شگرف				
	و) مرد نقال آتشین پیغام / راستی کانون گرمی بود.				
	ز) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت				
	ی) یکی تازی‌ای برنشسته سیاه				
	آن خضر که فرخنده‌پیش نام نهادند				
	همی خاک نعلش برآمد به ماه				
	موفق باشید.				



سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴

دوشنبه

۱۴۰۴/۰۲/۲۹

تسلط بر کل کتاب



پایه دوازدهم - همه رشته های نظری

آزمون های شبه ساز امتحانات نهایی ماز - شب امتحان

پاسخبرگ فارسی

برای شباهت حداکثری به امتحانات نهایی، صفحه آرای، فونت و حتی اندازه متن در تمامی آزمون های تشریحی ماز، کاملاً یکسان با استاندارد امتحانات نهایی در نظر گرفته می شود.

حق چاپ و تکثیر سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز «گروه ماز» مجاز می باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می شود.

به دلیل عدم رضایت تیم ماز، هرگونه استفاده غیرقانونی از دفترچه سؤالات و پاسخنامه ماز برای تمامی اشخاص، شرعاً حرام است.

نکات مهم برای گرفتن نمره کامل!

۱ خوش خط و خوانا بنویسید:

دقت کنید که نوشته‌هایتان خوانا و مرتب باشند. این کار نه تنها به فهم بهتر مطالب توسط مصحح کمک می‌کند، بلکه نظم و دقت شما را نیز نشان می‌دهد.

۲ استفاده از کلمات و جملات مشابه کتاب درسی:

تلاش کنید پاسخ‌هایتان را با عبارات و اصطلاحات موجود در کتاب درسی هماهنگ کنید. این کار باعث می‌شود مصحح ببیند که به متن درسی تسلط دارید و مستقیماً از منابع درسی استفاده کرده‌اید.

۳ از نوشتن مطلب اضافی خودداری کنید:

به هیچ وجه از حاشیه‌پردازی و نوشتن مطالب اضافی که در سؤال مطرح نشده است، خودداری کنید. فقط به پاسخ مستقیم سؤال بپردازید و از اضافه کردن اطلاعات غیرضروری پرهیز کنید.

۴ نوشتن فرمول‌ها و مراحل کامل حل سؤال:

در مسائل محاسباتی، تنها جواب نهایی کافی نیست؛ شما باید مراحل کامل حل سؤال را به طور واضح و دقیق بنویسید. فرمول‌ها، مراحل محاسبه و دلایل انتخاب راه‌حل‌ها را حتماً ذکر کنید تا نشان دهید که روش حل مسئله را به خوبی متوجه شده‌اید.

۵ نوشتن یکاها و جواب نهایی:

در دروسی که نیاز به محاسبات دارند، فراموش نکنید که علاوه بر نوشتن جواب نهایی، یکاهای مربوط به هر کمیت را هم درج کنید. یکای صحیح می‌تواند نشان دهد که شما به جزئیات دقت کرده‌اید و درک صحیحی از مفهوم سؤال دارید.



به نام خدا

آزمون شبیه ساز نهایی درس:	فارسی ۳	تعداد صفحه: ۲	رشته:	همه رشته های نظری	ساعت شروع:
نام و نام خانوادگی:	دوره دوم متوسطه - دوازدهم	تاریخ آزمون:	۱۴۰۴/۰۲/۲۹	مدت زمان:	۱۰۰ دقیقه
ردیف	پاسخبرگ	نمره	پاسخ های خود را در محل های تعیین شده به صورت دقیق، خوش خط و مرتب وارد کنید.		

الف) قلمرو زبانی

۰.۲۵		۱
۰.۲۵		۲
۰.۵	 (الف) (ب)	۳
۰.۵		۴
۰.۷۵	 (الف) (ب) (ج)	۵
۰.۵	 (الف) (ب)	۶
۰.۲۵		۷
۰.۲۵		۸
۰.۲۵		۹
۰.۷۵	 (الف) (ب) (ج)	۱۰
۰.۵		۱۱
۰.۲۵		۱۲
۰.۲۵		۱۳
۰.۲۵		۱۴
۰.۵	 (الف) (ب)	۱۵
۰.۲۵		۱۶
۰.۷۵	 (الف) (ب) (ج)	۱۷

ب) قلمرو ادبی

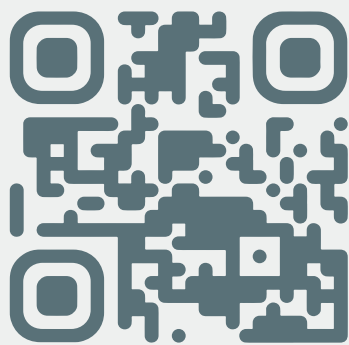
۰.۲۵		۱۸
۰.۷۵	 (الف) (ب) (ج)	۱۹
۰.۷۵	 (الف) (ب) (ج)	۲۰
۰.۵	 (الف) (ب)	۲۱



به نام خدا

آزمون شبیه ساز نهایی درس:	فارسی ۳	تعداد صفحه:	۲	رشته:	همه رشته های نظری	ساعت شروع:	
نام و نام خانوادگی:	دوره دوم متوسطه – دوازدهم			تاریخ آزمون:	۱۴۰۴/۰۲/۲۹	مدت زمان:	۱۰۰ دقیقه
ردیف	پاسخبرگ						نمره
پاسخ های خود را در محل های تعیین شده به صورت دقیق، خوش خط و مرتب وارد کنید.							

۲۲	الف)	ب)	ج)	۰.۷۵
۲۳	الف)	ب)		۰.۵
۲۴	الف)	ب)		۰.۵
۲۵				۰.۵
۲۶	۱)	۲)		۰.۵
ج) قلمرو فکری				
۲۷				۰.۲۵
۲۸				۰.۲۵
۲۹	الف)	ب)		۰.۵
۳۰				۰.۵
۳۱				۰.۵
۳۲	الف)	ب)		۰.۵
۳۳	الف)	ب)		۰.۵
۳۴	الف)	ب)	ج)	د)
۳۵	الف)	ب)	ج)	د)
	ه)	و)	ز)	ی)
۲۰	موفق باشید.			



سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴



دفترچه پاسخ

تسلط بر کل کتاب



دوشنبه

۱۴۰۴/۰۲/۲۹



ماز

پایه دوازدهم - همه رشته های نظری
آزمون جامع شبیه ساز امتحانات نهایی ماز - شب امتحان

درسی	مسئول درس	ویراستاری
فارسی	حسن وسکری - فاطمه عباسی	فاطمه حمیدی

برای شباهت حداکثری به امتحانات نهایی، صفحه آرایی، فونت و حتی اندازه متن در تمامی آزمون های تشریحی ماز، کاملاً یکسان با استاندارد امتحانات نهایی در نظر گرفته می شود.

حق چاپ و تکثیر سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز «گروه ماز» مجاز می باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می شود.

به دلیل عدم رضایت تیم ماز، هرگونه استفاده غیرقانونی از دفترچه سؤالات و پاسخنامه ماز برای تمامی اشخاص، شرعاً حرام است.

راهنمای پاسخنامه برای بچه‌های مازی!

مصَحَّح شو:



پاسخ دقیق سؤال این‌جا میاد و اسمش روشه: «مصَحَّح شو»، می‌خواد شما رو به یه مصَحَّح حرفه‌ای و دقیق تبدیل کنه که بدونین موقع ارزیابی جواب‌هاتون باید حواستون به چی باشه تا توی آزمون‌های بعدی دقیق‌تر عمل کنین. اگه جواب یه سؤال رو بشه به شکل‌های مختلف بیان کرد، اون هم، این‌جا بهتون گفتیم.

بررسی دقیق‌تر:



اگه پاسخ کوتاه به سؤال کافی نباشه تا ببینین چطوری باید به جواب برسین، توی این بخش با بررسی دقیق‌تر جواب، سؤال رو براتون توضیح دادیم.

نقشه نهایی:



امتحان نهایی قوانین و قواعد خاص خودش رو داره؛ شما باید بدونین تیپ‌های رایج سؤال‌های امتحان نهایی چیه و باید چطوری بهش جواب بدین. این کادر، مشاوره حرفه‌ای ماست به شما تا فوت و فن‌های امتحان نهایی رو یاد بگیرین.

۲۰ شو:



توی «۲۰ شو»، مبحث هر سؤال رو براتون مرور یا جمع‌بندی کردیم؛ «۲۰ شو» و درسنامه‌هاش دقیقاً فاصله بین نمره خوب و نمره ۲۰ رو براتون پر می‌کنه.

نکته طلایی:



با وجود «۲۰ شو»، که کلی درسنامه مفصل داره، باز هم اگه نکته مهم و مفیدی بود، توی این کادر براتون آوردیم.



راهنمای تصحیح آزمون شبیه‌ساز نهایی درس: فارسی ۳		رشته:	رشته‌های شاخه نظری
دوره دوم متوسطه - دوازدهم		تاریخ آزمون:	۱۴۰۴/۰۲/۲۹
ساعت شروع:		مدت زمان:	۱۰۰ دقیقه
آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی		گروه آموزشی ماز	
ردیف	راهنمای تصحیح	نمره	
۱	مصحح شو «ج» (۰/۲۵) بررسی دقیق‌تر «روایی» به معنی ارزش و اعتبار است. نکته طلایی واژه «روایی» از شعر «نیایش» پایان کتاب فارسی انتخاب شده است. برای بخش لغت، فقط به متن درس اکتفا نکنید و همه لغات مهم بخش‌های روان‌خوانی، گنج حکمت، شعرخوانی و ستایش و نیایش را هم به دقت بخوانید. ۲۰ شو: واژگان و معانی لغات مهم دروس ۱ تا ۵ درس فارسی فضل: بخشش / شبه: همانند / جود: گرم / عز: گرامی شدن / وهم: خیال / ثنا: ستایش قربت: نزدیکی / کَلک: قلم / اعراض: روی گردانیدن / منکر: زشت / منکر: مخالف خانه خمار: میخانه / عاز: ننگ و رسوایی / صاحب خبر: آگاه / راهبر: پیشوا / هان: آگاه باش / تاز: نخ یا رشته همت: خواست و اراده، بلندنظری، توجه قلب به جانب حق / جیب: گریبان / جام: پیاله / مُلک: پادشاهی / غرقه: کسی که غرق شده / جم: همان جمشید است. / جداره: دیوار نعل: پای افزار / گذاردن: بنا نهادن / متبوع: پیروی شده / ضمین: ضمانت / زُل: نگاه خیره / ذل: خواری	۰/۲۵	
۲	مصحح شو دادگستری (۰/۲۵) ۲۰ شو: واژگان و معانی لغات مهم دروس ۶ تا ۱۳ درس فارسی حیات: زندگی / شیدا: عاشق، مجنون / فرض: لازم / فرزند: چابک / سربرآوردن: معروف شدن منزوی: گوشه نشین پاریز: نام منطقه‌ای در سیرجان استان کرمان / تحریر: نوشتن / دموکراسی: حکومت مردم بر مردم / قطور: ضخیم و کلفت / بارو: دیوار دور شهر، قلعه / فراز: بلندی / کرانه: ساحل، حاشیه، کناره / ممیز: جداکننده. / ابراهیم ادهم: نام عارفی در قرن دوم هجری / محدب: برآمده گرده: بالای کمر / ظلال: سایه‌بان / گرده: قرص نان / مشایعت: تشییع / عشیره: قبیله / مولیان: نام رودی در بخارا / مدهوش: از خود بی‌خود شدن تیرانا: عنوان کتاب مهرداد آوستا / مایه: اندازه / غمین: اندوهگین / پالیز: باغ و بوستان تل: تپه / قابل عرض: قابل گفتن / پاییدن: مراقب بودن / معرکه: میدان جنگ / موحد: خداشناس / کز کردن: غمناک بودن / مهیب: ترسناک پراندیشه: نگران / نابه‌کار: تبهکار / نظاره: خیره / نعل: پای افزار / تنگ در برگفت: محکم / ایدون: چنین / قبا: نوعی لباس جلوباز / خرق عادت: معجزه / باری: یکبار / خسته: آزرده / صاحب‌دل: عارف خوان: مرحله و سفره / نای: حلقوم / پور: پسر / خداوند: صاحب / گرد: پهلوان / تزویر: ریا / تهمتن: لقب رستم / دستان: لقب زال / سنان: سرنیزه / پاییدن: مراقبت نمودن	۰/۲۵	
۳	مصحح شو الف: فرومایه، بدسرشت (۰/۲۵) ب: شتر (۰/۲۵) ۲۰ شو: واژگان و معانی لغات مهم دروس ۱۴ تا نیایش درس ۱۸ درس فارسی سیمرغ: پرنده افسانه‌ای / زوال: نابودی / عالی صفت: والا / جمله: همگی / افسر: تاج / فروآیی: قدم بگذاری / درگه: بارگاه پَخمه: ساده لوح / کربه: زشت / حلاج: پنبه زن / وبال: شدت و سختی / ابا: خودداری / ازل: زمان بی‌آغاز / منکر: مخالف / متروک: طرد شده / عمارت: بنا کردن / مانده: خوراک / دون: پست / عریضه: عرض حال / رمی: پرتاب کردن / مصاحبت: هم‌نشینی سرمزل: مقصد / افلاک: آسمان‌ها / اکتفا: بسنده کردن / برافراختن: بلند کردن غزلواره: مانند غزل / مقهور: شکست‌خورده / اهتزاز: برافراشته / نواهی: امور نهی‌کننده / ضمان: ضمانت / قرص: محکم آتش‌افروز: روشن‌کننده آتش / دردپرورد: آشنا با درد / می‌باید: لازم است / پیچ در پیچ: کنایه از پر مشقت	۰/۵	
۴	مصحح شو الف (۰/۲۵) قضا (۰/۲۵) نکته طلایی واژه «غزا» (جنگ) دو هم‌آوا دارد: ۱- قضا (سرنوشت) ۲- غذا (خوراک)	۰/۵	



	واژگان مهم املائی درس ۱ تا ۴: ملک: پادشاه / ملک: فرشته / ملک: زمین / سزایی: لایقی / وهم: پندار، تصور، خیال / عزّ: عزیز بَطّ: مرغابی / بُت: معشوقه / شبه: مانند / شبیح: سایه / صبا: بادی که از شمال شرق می‌وزد / سبا: نام سرزمین / فرح: شادی / فَرّه: هیبت و شکوه ذَلّت: خواری / زَلّت: لغزش / منسوب: نسبت دادن / منصوب: گماشتن جامه: لباس / جامع: کامل / شرع: دین / شرح: توضیح / قاضی: قضاوت کننده / غازی: جنگجو / قضا: قضا و قدر / معمور: آباد / مامور: گماشته راضی: خرسند / رازی: اهل ری / قوی: توانا / غوی: گمراه / راه: راه و رسم / راح: شراب / تحلیل: تجزیه / تهلیل: تسبیح گفتن	
۰/۷۵	الف: صلاح: سلاح (۰/۲۵) ب: حوضه: حوزه (۰/۲۵) ج: شست: شصت (۰/۲۵) مصحّح شو نکته طلایی در بخش املا، فهرستی از واژگان هم‌آوا تهیه کنید و شکل صحیح نوشتاری و معانی آن‌ها را به دقت به یاد بسپارید. ۲۰ شو: واژگان مهم املائی درس ۵ تا ۱۰ نعل: کفش / نحل: زنبور عسل / اساس: بنیان / اثاث: وسیله و اسباب / مطبوع: خوشایند / متبوع: پیروی شده / قله: بلندی کوه / غله: گندم شرح: توضیح / شرع: دین / مستمع: شنونده / نساء: زنان قوت: غذا / قوّت: توانایی / حیات: زندگی / حیاط: محوطه / ازل: زمان بی‌آغاز / عزل: برکنار کردن بَن: پسته وحشی / بُن: ریشه / شُموم: سم‌ها / شُموم: باد بسیار گرم / صخره: سنگ سخت / سخره: مسخره شبهه اسب، عشیره و قبیله، مواهب و محبت‌ها، قاش زین، صفای اهورایی داعیه: خواهش، سبب / داهیه: محبت / گزاردن: انجام دادن / گذاردن: رها کردن، قرار دادن، اجازه دادن	۵
۰/۵	الف: اهتمام (۰/۲۵) ب: حد (۰/۲۵) مصحّح شو نقشه نهایی در بخش املا، کلماتی اهمیت دارند که اولاً یک یا چند حرف از حروف شش‌گانه را در خود داشته باشند. (حروف شش‌گانه املائی عبارت‌اند از: ع همزه/ ت ط/ ث ص/ س/ ح/ ه/ ذ ز/ ض ظ/ ع ق) ثانیاً کلمات هم‌آوا باشند، مثل: «غریب» و «غریب» ۲۰ شو: واژگان مهم املائی درس ۱۱ تا ۱۳ اهمال: سستی / اعمال: کارها / ارض: زمین / عرض: آبرو / لنگ: شل / لنگ: پارچه‌ای که در گرمابه به کمر می‌بستند. کلاش: نوعی سلاح / کلاش: کلاهبردار غو، قبا، ایدون، خرق عادت، سپهد، ساروان تاقل: اندیشه / تعمل: کار کردن / زهر: سمّ / ظهر: پشت / زال: نام پدر رستم / زال: گمراه / غدر: خیانت / قدر: ارزش / سورت: تندى / صورت: شکل / شصت: عدد ۶۰ / شست: انگشت بزرگ / عیار: ابزار سنجش / عیار: راهزن	۶
۰/۲۵	الف: صلّه ارحام ب: بارندگی د: غایی مصحّح شو «ج» (۰/۲۵) بررسی دقیق‌تر ۲۰ شو: واژگان مهم املائی درس ۱۴ تا نیايش درس ۱۸ زمان: دوره / ضمان: ضمانت / شبه: مشابهت / شبیح: سایه / سفر: مسافرت / صفر: نام ماه سال قمری / صدر: بالای مجلس / سدر: نوعی درخت ازل: زمان بی‌آغاز / عزل: برکناری / غلیان: جوش و خروش / قلیان / عمارت: بنا و ساختمان / امارت: فرمانروایی / صرف: به کار بردن، خرج کردن صرف: محض و خاص ذی: صاحب / زی: سمت و سو / حد: مقدار و اندازه / حد: مجازات شرعی / حیات: زندگی / حیاط: محوطه / ذی حیات، تطبیق، آخته مغلوب: شکست‌خورده / مقلوب: دگرگون شده / مامور: آمر شده / معمور: آباد شده / زمان: عهد / ضمان: ضمانت / رسا: بلیغ / رَنا: گریستن بر مرده / جبهه / وحشی بافقی / لطیف	۷
۰/۲۵	مصحّح شو «ب» (۰/۲۵) بررسی دقیق‌تر هَمّت را بدرقه راه من کن (مضاف‌الیه) الف) در نفیر من (مضاف‌الیه) ب) جهان‌آفرین مرا نگاه ندارد (مفعول) ج) کلاه از سر تو افتاد (مضاف‌الیه) د) آب آن زهر است (مضاف‌الیه)	۸



نقشه نهایی: ضمیرهای متصل سه نقش می‌پذیرند:

۱- نقش مفعولی

در این حالت اگر ضمیر متصل را به ضمیر جدا تبدیل کنیم، بعد از ضمیر، حرف نشانه (را) قرار می‌گیرد.
چنانچه دوست می‌دارم که گر روزی فراق افتد
چنانچه دوست می‌دارم: چنان تو را دوست می‌دارم.

۲- نقش متممی

قبل از ضمیر، حرف اضافه می‌آید:
موی سفید را فلکم رایگان نداد
در مصراع اول: فلک موی سفید را رایگان به من نداد.

۳- نقش مضاف‌الیهی

ضمیر بعد از کسره اضافه قرار می‌گیرد:
مجروح هجرت ای جان مرهم ز وصل خواهد
مجروح هجرت = مجروح هجر تو
این است وجه درمان آن درد بینوا را

مصحح شو

الف «(۰/۲۵)»

نقشه نهایی

۰/۲۵ فعل‌های مانند گردانید، نمود، کرد، ساخت، نامید، خواند، گفت، شمرده، به شمار آورد، به حساب آورد، پنداشت، دانست و یافت اگر در جملاتی بیابند که چهار جزء داشته باشد، آنچه در جواب «چگونه» می‌آید، مسند است.
شو منفجر ای دل زمانه
حافظ مکن ملامت رندان که در ازل
وان آتش خود نهفته میسند
ما را خدا ز زهد ریا بی‌نیاز کرد
مفعول مسند
مفعول نهاد مسند

مصحح شو

الف: بادبرف (۰/۲۵) ب: لیک (۰/۲۵) ج: ماضی مستمر (۰/۲۵)

نقشه نهایی

۰/۲۵ اخوان ثالث در شعر «خوان هشتم» هم از واژه‌ها، ترکیب‌ها و ساختارهای دستوری زبان کهن استفاده کرده است. مثل: همگنان، به کردار، بتر، چونان، گُرد، سنان، فراز آید، استاد، گویی، هریوه. و هم واژه‌ها و ترکیب‌های نو ساخته است، مانند: بادبرف، ماث (مهدی اخوان ثالث)، مردستان، کوه کوهان، چاه پستان، گرامی‌مرد.

مصحح شو

کوه (۰/۲۵)، ممیز (۰/۲۵)

نقشه نهایی

۰/۵ برای شمارش تعداد، وزن، طول و ... میان صفت شمارشی و موصوف آن، اسمی قرار می‌گیرد که به آن «ممیز» می‌گویند.
- تهمت به بند کمر برد چنگ
- یک تار موی او به دو عالم نمی‌دهند
- دقت داشته باشید که گاهی اوقات به ضرورت شعری بین ممیز و هسته فاصله می‌افتد.
- به دستور فرمود تا ساروان
- هیون آرد از دشت صد کاروان (صد کاروان هیون)
گزین کرد یک چوبه تیر خدنگ
با عشقش این معامله گفتیم و سر گرفت
هیون آرد از دشت صد کاروان (صد کاروان هیون)

مصحح شو

ب «(۰/۲۵)»

بررسی دقیق‌تر

۰/۲۵ این پند فرزند سیاه‌بخت: صفت مضاف‌الیه
الف) غم عشقت: مضاف‌الیه مضاف‌الیه
ب) سپهر این ره عالی‌صفت: صفت مضاف‌الیه

نقشه نهایی: «صفت مضاف‌الیه» دو شکل دارد:

۱- در یک ترکیب اضافی بعد از مضاف‌الیه می‌آید، مثل: سقف غار آبی، قامت سرو بلند، آتش عشق سوزان
۲- گاهی در یک گروه اسمی، مضاف‌الیه یک وابسته پیشین می‌پذیرد. در این صورت، آن صفت، بین مضاف و مضاف‌الیه می‌آید. مثل: پرتو آن ستاره، مطالب این کتاب، دیدن کدام فیلم

مصحح شو

مار (۰/۲۵)

مصحح شو

۰/۲۵ مهمان‌ها هم با او هم‌صدا شدند. (۰/۲۵)



۰/۵	الف: عبور کردن (۰/۲۵) ب: شروع کردن (۰/۲۵) نقشه نهایی کاربرد فعل‌ها در زبان فارسی مختلف است. فعل «گذشت» در معانی عبور کردن، عفو کردن، سپری شدن به کار می‌رود. همچنین فعل «گرفت» در معانی برداشتن، تأثیرکردن و فرض کردن استفاده می‌شود.	۱۵
۰/۲۵	مصحح شو زمان (۰/۲۵) نقشه نهایی در زبان فارسی، علامت «ان» جز نشانه جمع، کاربردهای دیگری هم دارد که به آن‌ها اشاره می‌کنیم: - نشانه صفت فاعلی (بن مضارع + ان): خندان، گریان، نالان، دوان، نگران، خرامان - نشانه زمان: سحرگاهان، شامگاهان، بهاران، پاییزان، بامدادان - نشانه مکان: گیلان، دیلمان - نشانه نسبت: کاویان، کیان، جانان - نشانه شباهت: کوهان نکته طلایی «ان» در بسیاری از واژه‌ها بخشی از خود کلمه است. پس نباید آن را با نشانه‌هایی که گفته شد، اشتباه بگیرید، مثل: داستان، جوان، ایمان، آسمان، نهان، اذان و... مصحح شو الف: نادرست (۰/۲۵) ب: نادرست (۰/۲۵) ج: درست (۰/۲۵) بررسی دقیق‌تر الف) نقش «والی» مضاف‌الیه (سرای والی) و نقش «داروغه» متمم (به داروغه) است. ب) «نیست» در بیت اول غیراسنادی به معنی «حضور نداشتن» است و در بیت دوم اسنادی است. ج) بیت اول: سرای والی (ترکیب اضافی) / آن جا (ترکیب وصفی) بیت دوم: خوابگاه مردم (ترکیب اضافی) / مردم بدکار (ترکیب وصفی)	۱۶
۰/۲۵	مصحح شو «ب» (۰/۲۵) بررسی دقیق‌تر تشبیه: دلت خلد است. استعاره: نیرنگ هوا و فریب آرز تلمیح: اشاره به داستان شیطان و طاووس مراعات نظیر: خلد، طاووس و شیطان ۲۰ شو: تلمیح به معنی «به گوشه چشم اشاره کردن» است و در اصطلاح ادبی اشاره کردن به بخشی از حوادث تاریخی، اساطیری، آیه، حدیث، باورهای عامیانه و... است. لازمه بهره‌مندی از تلمیح، آگاهی از دانسته‌هایی است که شاعر یا نویسنده بدان اشاره می‌کند. در ادبیات فارسی، تلمیحات به چند گونه به کار می‌رود: ۱- بخشی از تلمیحات موجود در اشعار فارسی اختصاص به داستان‌های عاشقانه دارد. مثلاً شاعر در بیت زیر با کمک داستان «لیلی و مجنون» مضمون‌پردازی کرده است: برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر و ه که با خرمن مجنون دلافر چه کرد ۲- داستان‌های پیامبران هم از تلمیحات رایج در ادبیات فارسی است: یا رب این آتش که بر جان من است سرد کن ز انسان که کردی بر خلیل (اشاره به داستان سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم) ۳- اشاره به داستان‌های حماسی و تاریخی هم در ادبیات فارسی پرکاربرد است: (اشاره به مرگ رستم به دست شغاد ای پریشان گوی مسکین، پرده دیگر کن پورستان جان ز چاه نابردار در نخواهد برد) ۴- اشاره به احادیث، روایات و آیات هم در ادبیات فارسی به‌کار می‌رود: آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند «آسمان و بار امانت» اشاره دارد به آیه‌ای از قرآن و شانه خالی کردن آسمان از دریافت بار امانت. ۵- اشاره به باورهای گذشتگان مثل تأثیر آسمان و فلک در سرنوشت انسان، فرخندگی پرنده هما، تبدیل قطره باران به مروارید در صدف و... نیز جزء تلمیحات رایج در ادبیات فارسی است: علی ای همای رحمت! تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه هما را بیت اشاره دارد به این باور عامیانه که سایه هما باعث خوشبختی می‌شود.	۱۸

۰/۷۵	الف: مجاز (۰/۲۵) مصحح شو ب: خرق عادت (۰/۲۵) ج: بنا (۰/۲۵)	۱۹
۰/۷۵	الف: اسلوب معادله (۰/۲۵) مصحح شو ب: حس آمیزی (۰/۲۵) ج: استعاره (۰/۲۵)	۲۰
۰/۷۵	الف: تعظیم کردن (۰/۲۵) مصحح شو ب: قطع (۰/۲۵) ج: عاشق حقیقی (۰/۲۵)	۲۱
۰/۷۵	الف: چاه (۰/۲۵) مصحح شو ب: قطعه (۰/۲۵) ج: عاشق حقیقی (۰/۲۵)	۲۲
۰/۵	الف نادرست (۰/۲۵) مصحح شو ب: درست (۰/۲۵)	۲۳
۰/۵	الف: محمد بهمن بیگی (۰/۲۵) مصحح شو ب: ظهیری سمرقندی (۰/۲۵)	۲۴
۰/۵	الف: محمد بهمن بیگی (۰/۲۵) مصحح شو ب: ظهیری سمرقندی (۰/۲۵)	۲۵
۰/۵	الف: محمد بهمن بیگی (۰/۲۵) مصحح شو ب: ظهیری سمرقندی (۰/۲۵)	۲۶
۰/۲۵	الف: محمد بهمن بیگی (۰/۲۵) مصحح شو ب: ظهیری سمرقندی (۰/۲۵)	۲۷



۰/۲۵	۲۸	مصحح شو «الف» (۰/۲۵)
۰/۵	۲۹	مصحح شو الف: وادی هفتم یا فقر و فنا (۰/۲۵) ب: وادی اول یا طلب (۰/۲۵) نقشه نهایی در عرفان، سالک برای رسیدن به حقیقت، باید هفت مرحله دشوار و طاقت‌فرسا را پشت سر بگذارد. این هفت مرحله یا وادی عبارت‌اند از: ۱- طلب ۲- عشق ۳- معرفت ۴- استغنا ۵- توحید ۶- حیرت ۷- فقر و فنا
۰/۵	۳۰	مصحح شو هرچند غذا مال ما نیست و می‌توانیم هرچه دلمان بخواهد بخوریم؛ اما نباید پرخوری کرد. (۰/۵)
۰/۵	۳۱	مصحح شو در راه عشق باید خود را فراموش کرد. (۰/۵)
۰/۵	۳۲	مصحح شو الف: درست (۰/۲۵) ب: نادرست (۰/۲۵)
۰/۵	۳۳	مصحح شو الف: کرم و رحمت پادشاه (۰/۲۵) ب: ناتوانی از توصیف خداوند (۰/۲۵)
۱	۳۴	مصحح شو الف: «۳» یا امتناع از رشوه‌خواری (۰/۲۵) ب: «۵» یا توصیه به قیام (۰/۲۵) ج: «۱» یا توصیه به احسان (۰/۲۵) د: «۲» یا توجه به خودشناسی (۰/۲۵)
۴	۳۵	مصحح شو الف: در تفکر عارفانه فرورفته (۰/۲۵) و غرق دریای کشف حقایق الهی بود. (۰/۲۵) ب: منشأ زندگی را عشق بدان (۰/۲۵) و مرگ را هم در نبودن عشق جستجو کن. (۰/۲۵) ج: آن چنان بهره برده بود (۰/۲۵) که جلو رفت و پیشانی شاعر را بوسید. (۰/۲۵) د: از قدرت بویایی شما (۰/۲۵) تشخیص حمله عجیب نیست. (۰/۲۵) ه: برای این راه شگفت و عجیب (۰/۲۵) مرد شجاعی لازم است. (۰/۲۵) و: مرد نقال سخنان تأثیرگذاری می‌گفت (۰/۲۵) واقعا جمع گرم و صمیمانه‌ای بود. (۰/۲۵) ز: خضر پیامبر که او را فرخنده می‌نامیدند (۰/۲۵)، آیین طریقت و عرفان را به واسطه دعای پیر مغان دریافت کرد. (۰/۲۵) ی: بر اسب عربی سیاهی سوار شد (۰/۲۵) طوری سریع تاخت که خاک نعل اسب به آسمان رسید. (۰/۲۵)
۲۰		موفق باشید

دوینگ

فوری

شب

امتحان

خلاصه کامل و جامع

برای مرور سریع

پایه دوازدهم (رشته های نظری)

فارسی



دوپینگ فوری درس اول

نکات قلمرو زبانی

در معنی کردن واژه‌ها لازم است که در واژه‌نامه به نکات زیر توجه شود:

(۱) مفرد و یا جمع بودن:

بنان: سرانگشت، انگشت ← درست
تقصیر: گناه ← درست
عاکفان: ج عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند. ← درست
کسی که در مدتی معین در مسجد بماند و به عبادت پردازد. ← نادرست

(۲) مثبت یا منفی بودن:

انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن ← درست،
رودربایستی داشتن ← نادرست

(۳) اسم یا صفت بودن:

تحیر: سرگشتگی، سرگردانی ← درست
شفیع: شفاعت کننده، پایمرد ← درست
سرگشته، سرگردان ← نادرست
شفاعت، پایمردی ← نادرست

(۴) نقطه مقابل / تقابل / متضاد:

نقطه مقابل «عز»: ذُل ← درست
نقطه مقابل «عز»: ارجمندی، گرمی شدن ← نادرست

• چند نکته حایز اهمیت در مورد املا وجود دارد:

(۱) گزینش املائی گروه‌های شش گانه

«ع / ت / ط / ث / س / ص / ح / ه / ذ / ز / ض / ظ / غ / ر / ق»

(۲) هر غلط املائی، غلط رسم الخطی نیست؛ اما هر غلط رسم الخطی، غلط املائی است.

• مصادیقی از رسم الخط عبارتند از: «هفته گه، هفتگی / آینده گان، آیندگان / بینداخت، بیفتاد، بیفتاد / بیانگارد، بینگارد»

(هر واژه ای با «ا = الف» همراه با مصوت‌های کوتاه شروع شود و بخواهیم با پیشوند «ب/ن» بیاوریم:

حذف الف (ا) و تبدیل به مصوت بلند (ی) = ب + انداخت: بینداخت / ن + افزود: نیفزود

(۳) گروه کلمه (گروه واژه): از دو یا بیش از دو کلمه تشکیل شده است:

۱- (مضاف یا هسته + نقش‌نمای اضافه «ی/ـ» + مضاف‌الیه، مثال: نقض غرض)

۲- (موصوف یا هسته + نقش‌نمای اضافه «ی/ـ» + صفت بیانی، مثال: سخن نغز)

۳- (ترادف یا تضاد (معطوف علیه یا هسته + حرف عطف «و» + معطوف، مثال: عصیان و سرکشی / صحت و شقم)

• نمونه‌های حروف «را» به عنوان «حرف اضافه» به معنی «از، با، به، برای، بر» در درس یکم:

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده. (= به)

فرارش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپوردد. (= به)

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟ (= برای)

از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟ (= برای)

گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کتم هدیه اصحاب را. (= برای)

• نمونه‌های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس یکم:

درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده. (درختانش را در بر: در بر درختانش

- اطفال شاخ را بر سر: بر سر اطفال شاخ)

ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد (آن سوخته را جان: جان آن سوخت)

• چند نکته حایز اهمیت در مورد انواع حذف:

۱- در مواردی که شناسه‌ها از یک نوع نباشد، نوع حذف به قرینه لفظی است.

من این مطلب را توضیح دادم و حسن نیز توضیح [داد]

۲- گاهی در جملات اسنادی، بعد از صفت تفضیلی فعل به قرینه معنوی حذف می‌شود.

نیکو خو هزار بار بهتر از نیکو رو ← نیکو خو هزار بار بهتر [است] از نیکو رو.



۳- در شبه‌جمله‌ها (اصوات / منادا) مانند زه، زهی، دست مریزاد، مرحبا، نوع حذف به قرینه معنوی است. آتش [مسلمانان به دادم برسید]

۴- حذف فعل در جملات استثنایی پرکاربرد به قرینه معنوی به شمار می‌آید. به سلامت [بروید] | بسیار خوب [است] | شکر خدا [نمایید] | به جان شما [قسم می‌خورم]

نکات قلمرو ادبی

• اضافه‌های تشبیهی موجود در ستایش و درس یکم:

باران رحمت / خوان نعمت / پرده ناموس / وظیفه روزی / فراش باد صبا / دایه ابر بهاری / بنات نبات / مهد زمین / قبای سبز ورق / اطفال شاخ / کلاه شکوفه / دیوار اُمت / کعبه جلال / حلیه جمال / بحر مکاشفت

• استعاره‌های موجود (مکنیه) در ستایش و درس یکم:

قدوم موسم ربیع / در کار بودن ابر و باد و مه و خورشید و فلک

• استعاره‌های موجود (مصرحه) در ستایش و درس یکم:

ملکا ذکر تو گویم: خداوند / فرش زمردین: سبزه و گل‌های رنگارنگ / بوستان: معارف الهی / درخت گل: کشف و شهود، وصال حق / بوی گل: عشق الهی، نشان و تجلی حق

• مجازهای موجود در ستایش و درس یکم:

لب و دندان (لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید): وجود / دست: قدرت / زبان: سخن / دست و زبان: اعمال / کف: دست / نان: رزق و روزی / ابر و باد و مه و خورشید و فلک: کل آفرینش

• کنایه‌های موجود در ستایش و درس یکم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
امکان بخشش	روی رهایی داشتن	عدم درک عقل و ناتوانی عقل	در فهم ننگجیدن
رسوا کردن	پرده دریدن	توانایی انجام کاری داشتن	برآمدن از دست و زبان
توجه و عنایت و لطف به ...	نظر کردن به ...	دعا کردن، درخواست	دست انابت به امید اجابت به ... برداشتن
از خود بی‌خود بودن، بی‌خبر بودن	برنیامدن آواز از ...	بدحال و بدبخت و بیچاره (بودن)	پریشان روزگار (بودن)
دامن از دست رفتن، بی‌اختیار شدن	در بحر مکاشفت مستغرق شدن	تفکر عارفانه	سر به جیب مراقبت فرو بردن

• آرایه ایهام تناسب موجود در ستایش و درس یکم:

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی
روی: ۱- چاره، امکان ۲- چهره که با لب و دندان تناسب دارد.

• آرایه اسلوب معادله موجود در درس یکم:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟

نکات قلمرو فکری

• نکته حایز اهمیت در معنی شعر و نثر:

با توجه به بارم هر مورد، لازم است به واژه‌های ویژه‌ای که در آن شعر یا نثر ارائه شده، توجه کنید؛ اگر موردی ۲۵/۰ نمره داشته باشد، پس یک واژه خاص در آن صورت سوال برای طراح مد نظر است. اگر ۵/۰ نمره باشد، دو واژه و اگر ۷۵/۰ سه واژه.

دوپینگ فوری درس دوم

نکات قلمرو زبانی

• کاربردهای معنای افعال:

- برخی فعل‌های به‌ظاهر اسنادی گاهی اوقات کاربردی غیراسنادی دارند؛ به موارد زیر دقت کنید.
- در متون گذشته، گاهی فعل «شد» در معنی «رفت» استفاده می‌شده است.
- در متون مختلف، فعل «بودن» (در شکل‌ها و صورت‌های مختلفی همچون «هست / است / نیست»، «بُود»، «باشد» و...) در معنی «وجود داشتن» به کار رفته است.
- فعل «گشتن» در معنی «چرخیدن / جستجو کردن» به کار می‌رود.
- ما به گرمابه شدیم. (= رفتیم)



خواهرم برای پیدا کردن مدادش، همهٔ خانه را گشت. (= چرخید)

در بُن این پرده نیلوفری / کیست (= وجود دارد) کند با چو منی همسری؟

- گاهی فعل «آمد» در متون کهن، کاربردی اسنادی دارد و به معنی «شدن» است.

فضا نمایان آمد / چهره‌اش پدید آمد (= آشکار شد)

• نمونه‌های حروف «را» به‌عنوان «حرف اضافه» به معنی «از، با، به، برای، بر» در درس دوم:

گفت: تا داروغه را گوئیم، در مسجد بخواب (به)

• نمونه‌های کاربرد حرف «را» به‌عنوان جایگزین کسرهٔ اضافه یا «فک اضافه» در درس دوم:

گفت: نزدیک است والی را سرای آن‌جا شویم (والی را سرای = سرای والی)

نکات قلمرو ادبی

• استعاره‌های موجود (مکنیه) در درس دوم:

خریدن انده / فروختن جان

• مجازهای موجود در درس دوم:

درهم و دینار: پول / بگفت آن‌که که باشم خفته در خاک: گور / به یاران گفت کز خاکی و آبی: تمام موجودات (همه انسان‌ها) / از برهنه کی توان

بردن گرو؟: فقیر و بی چیز

• کنایه‌های موجود در درس دوم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
نایه‌سامانی جامعه	هموار نبودن راه	درگیری	گریبان گرفتن
نخ‌نما و فرسوده	جز نقشی ز پود و تار نیست	بی‌خبری و غفلت	بیدار نبودن
زندگی یافتن	سبز شدن	مستی و عدم تعادل	کلاه از سر افتادن
جان‌فشانی	جان فروختن	تحمل رنج	انده خریدن
مردن	در خاک خفتن	فراموش کردن	دل پاک کردن (بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟)

• آرایهٔ حسن تعلیل موجود در درس دوم:

گفت: جرمِ راه رفتن نیست، ره، هموار نیست

• آرایهٔ ایهام موجود در درس دوم:

گفت: می باید تو را تا خانهٔ قاضی بَرَم / گفت: رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست

بیدار: ۱- هشیار ۲- مقابل بیدار

با محتسبم عیب مگوئید که او نیز / پیوسته چو ما در طلبِ عیش مدام است

مدام: ۱- همیشه، پیوسته ۲- شراب

نکات قلمرو فکری

• سه نکتهٔ حایز اهمیت در پاسخ دادن به سؤالات درک مطلب:

۱- معمولاً از پرسش‌های موجود در کارگاه متن‌پژوهی، به‌ویژه مواردی که به شکل سروده یا عبارتی خارج از متن درس که با محتوای درس ارتباط معنایی دارد، سؤال طرح می‌گردد.

۲- باید براساس آموخته‌های خود به مبحث «قرابت معنایی / هم‌خوانی / تناسب مفهومی» توجه داشت، چه در شکل پرسش با جواب کوتاه و چه در قالب سؤال چندگزینه‌ای. برای پاسخ دادن به این نوع سؤالات توصیه می‌گردد که به کلیدواژه که اغلب در گزینه‌ها دیده می‌شود و یا بُب کلام که در جملهٔ پایانی یا در مصراع پایانی وجود دارد با صورت سؤال مطابقت داده شود.

۳- به واژه‌های «همه / به‌جز / ندارد / متقابل (ضد / مخالف)» در صورت پرسش‌های چندگزینه‌ای توجه شود.

دوبینگ فوری درس سوم

نکات قلمرو زبانی

• نمونه‌های حروف «را» به‌عنوان «حرف اضافه» به معنی «از، با، به، برای، بر» در درس سوم:

- ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (ما را = برای ما)



نکات قلمرو ادبی

• اضافه تشبیه موجود در درس سوم:

دفتر زمانه

• آرایه تشخیص موجود در درس سوم

همت طلبیدن از باد / موافق بسیار داشتن انصاف و عدل

• استعاره‌های موجود در درس سوم:

مرغ اسیر: خود شاعر / ناله مرغ اسیر: شعر / چمن (خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است): کشور / خانه (خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد): کشور / وطن همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس: پیر، راهنمای روحانی

• مجازهای موجود در درس سوم:

مرغ اسیر: شاعر / چمن (خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است): کشور / دست (از دست اجانب آباد): قدرت و عملکرد / جامه (جامه کاو نشود غرقه به خون بهر وطن): وجود / جامعه- فکر (هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت): مردم جامعه - نظر / مال (با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است): دارایی و ثروت / دل - بیت‌الحنن (نشاط غربت از دل کی برد حب وطن بیرون / به تخت مصرم اما جای در بیت‌الحنن دارم): وجود- وطن و زادگاه

• کنایه‌های موجود در درس سوم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
آزاد بودن	به طُرف چمن بودن	انتظار کمک داشتن	همت طلبیدن
بی‌ارزشی	کم از کفن بودن	کنایه از کشته شدن	غرقه به خون شدن
محوشدن نام، فراموش شدن	نام از قلم افتادن	پادشاهی و حکومت رساندن	سلیمان کردیم (در این ملک سلیمان کردیم)
بی‌تجربه بودن	که دراز است ره مقصد و من نوسفرم	فقر و بی‌چیزی	جیب تهی از مال بودن
		غمگین بودن	جای در بیت‌الحنن دارم

دوپینگ فوری درس پنجم

نکات قلمرو ادبی

• اضافه تشبیه موجود در درس پنجم:

بنای ظلم

• استعاره‌های موجود (مکنیه) در درس پنجم:

جور گردون / مشت روزگار (تو مشت درشت روزگاری) / ای مشت زمین / قلب زمین / دل زمانه / باریدن شرارت و حيله‌گری

• آرایه تشخیص موجود در درس پنجم:

ای دیو سپید، گنبد گیتی، دماوند / زمین - گردون (چون گشت زمین ز جور گردون / سرد و سیه و خموش و آوند) / ای مشت زمین / ای کوه نیام ز گفته خرسند / قلب زمین / دل زمانه

• استعاره‌های موجود در درس پنجم:

ای دیو سپید، ای گنبد گیتی: دماوند / سیم (از سیم به سر یکی کله‌خود): برف نشسته بر قلّه کوه / آهن - کمر بند آهنی (ز آهن به میان یکی کمر بند): دامنه کوه / سنگ‌ها و صخره‌های میان کوه که تیره رنگند (= بخش میانی دامنه کوه / ستوران (تا وا رهی از دم ستوران): انسان‌های بی‌تفاوت به مسائل کشور و نادان / فلک (بنواخت ز خشم بر فلک مشت): زورگو و ظالم / آسمان (ای مشت زمین بر آسمان شو): حکومت استبدادی / ورم (از درد، ورم نموده یک چند): برآمدگی و جرم کوه دماوند / درد و ورم - کافور (تا درد و ورم فرونشیند / کافور بر آن ضماض کردند): غم و ناراحتی - برف / زمانه - آتش (شو منفجر ای دل زمانه / وان آتش خود نهفته میسند): دماوند خاموش - خشم و نفرت / آتش درون - سوخته جان (پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان، شنو یکی پند): درد و ناراحتی - خود شاعر (هر انسان دردمند و رنج‌کشیده) / آتش (گر آتش دل نهفته داری): خشم / ای مادر سرسپید: دماوند / سپید معجز: برف / کبود ارونند (بنشین به یکی کبود ارونند): آسمان / اساس تزویر (یفکن ز پی این اساس تزویر): حکومت محمد علی شاه قاجار / بنا (برکن ز بن این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم برکنند): ظلم

• مجازهای موجود در درس پنجم:

دم (تا وا رهی از دم ستوران): سخن / شیر سپهر: خورشید / ای مادر سرسپید: موی سر / اوند: فَر و شکوه، شأن و شوکت / سریر مُلک، عطا داد کردگار تو را: قدرت / یا که محتاج فرومایه شود مرد کریم: انسان / دلا خموشی چرا؟ چو خُم نجوشی چرا؟: انسان - شراب



• کنایه‌های موجود در درس پنجم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
دوستی کردن	پیمان بستن با شیر سپهر و پیوند کردن با اختر سعد	گرفتار و زندانی بودن (= اسارت)	پای دربند
باتجربه بودن و کهنسالی	سرسپید	نابودی	سوختن جان
ناتوانی و دور کردن سستی و یخزدگی	معجر سپید بر سر داشتن (برکش ز سر این سپید معجر)	پریشان روزگار	سیاه‌بخت
نابودی به طور کامل	از پی افکندن - از پی گسستن (بفکن ز پی این اساس تزویر بگسل ز هم این نژاد و پیوند)	اظهار قدرت، به دست گرفتن قدرت و حکومت	بر آورند تخت شاهی نشستن
افشای راز- راز داری	برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟	نابودی به طور کامل	از بُن برکنند (برکن ز بُن این بنا که باید)

• آرایه حسن تعلیل موجود در درس پنجم:

تاچشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلبد [شاعر علت بلند بودن و پنهان بودن قلّه را در درپشت ابرها ، دوری از مردم نادان می‌داند].
با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند [برای بلندی دماوند]
تو قلبِ فسردهٔ زمینی / از درد ورم نموده یک چند [شاعر علت برآمدگی دماوند را این گونه توجیه کرده است که ...]
تا درد و ورم فرو نشیند / کافور بر آن ضما د کردند [مصراع اول درحکم علتی برای مصراع دوم= برای وجود برف روی کوه]

دوبینگ فوری درس ششم

نکات قلمرو زبانی

• نمونه‌های حرف «را» به عنوان «حرف اضافه» به معنی «از، با، به، برای، بر» در درس ششم:

لیک چشم و گوش را آن نور نیست (برای)

لیک کس را دید جان دستور نیست (برای)

• کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسرهٔ اضافه یا «فک اضافه» در درس ششم:

مر زبان را مشتری جز گوش نیست (= مشتری زبان)

نکات قلمرو ادبی

• اضافهٔ تشبیه موجود در درس ششم:

آتش عشق

• آرایهٔ تشخیص موجود در درس ششم:

نی (نی حدیث راه پر خون می‌کند) / گفتگو کردن با روز (روزها گر رفت، گو رو، باک نیست) / به گفتار آمدن بلبل (غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد) / آمدن عشق و بردن عشق چون آید، بَرَد هوش دل فرزانه را / شانه می‌آید به کار زلف در آشفگی / عشق بر یک فرش بُنشانَد گدا و شاه را / زمانه گر بزند آتش به خرمن عمر

• استعاره‌های موجود در درس ششم:

نور (لیک چشم و گوش را آن نور نیست): بینش و هدایت و دانایی / آتش (هرکه این آتش ندارد نیست باد): سوز و عشق و جدایی (= عشق) / ماهی- آب (هرکه جز ماهی ز آبش سیر شد): عاشق - عشق و معرفت، حق و عالم غیب

• اضافهٔ استعاری موجود در درس ششم:

جوشش عشق

• مجازهای موجود در درس ششم:

مرد و زن (از نفیرم مرد و زن نالیده اند): همهٔ انسان‌ها (موجودات هستی) / سینه (سینه خواهم شرحه شرحه از فراق): شنونده یا انسان صاحب‌دل / چشم و گوش- نور (لیک چشم و گوش را آن نور نیست): حواس مادی و ظاهری - بینش و هدایت و دانایی / نی و می (آتش عشق است کاندن نی فتاد / جوشش عشق است کاندن می فتاد): کل هستی / مجنون (قصه‌های عشق مجنون می‌کند): همهٔ عاشقان / غم- روزها (در غم ما روزها بی‌گاه شد): عشق - عمر / روزها (روزها گر رفت، گو رو، باک نیست): طول عمر / سیر (هر که جز ماهی ز آبش سیر شد): دل زدگی و ملال / بی‌روزی (هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد): بی‌بهره از عشق (= بی‌نوا و درویش) / روز (روزگارش برد و روزش دیر شد): عمر و روزگار / عشق چون آید، برد هوش دل فرزانه را: کل وجود / عشق بر یک فرش بُنشانَد گدا و شاه را: همهٔ انسان‌ها



• کنایه‌های موجود در درس ششم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
رنج و مشقت عشق و سیر و سلوک	راه پر خون	افشای راز	پرده دریدن
تباه و بیهوده شدن عمر	دیر شدن روز (هر که بی‌روزی است روزش دیر شد)	سپری شدن عمر و دیر شدن عمر	بی‌گاه شدن روز (در غم ما روزها بی‌گاه شد)
نقشه‌اش موفق نشد (= معادل فریب او نگرفت) - بی‌بهره گشتن	مکر او معکوس و او سرزیر شد	عاشق و عارف واصل - انسان بی‌بهره و بی‌خبر از عشق	پخته - خام (در نیابد حال پخته هیچ خام)
با انگیزه نمودن	مستمع صاحب‌سخن را بر سر کار آورد	مردن - تباه و سپری شدن	روزگارش برد و روزش دیر شد
نابود کردن زندگی	زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر	تأثیر داشتن	شانه می‌آید به کار زلف در آشفته‌گی
به کسی پناه بردن، التجا بردن	دامن کسی را گرفتن	بی‌اهمیت یا بی‌ارزش بودن	بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست

• آرایه حسن تعلیل موجود در درس ششم:

آتش عشق است کاندر نی فتاد / جوشش عشق است کاندر می فتاد
شاعر جوشش طبیعی شراب، در روند تولید را به واسطه تأثیر عشق می‌داند.

• آرایه ایهام تناسب موجود در درس ششم:

همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ / همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
دمساز: ۱- همدم ۲- دم که با نی تناسب دارد.

شانه می‌آید به کار زلف در آشفته‌گی / آشنایان را در ایام پیریشانی بپرس

• آرایه اسلوب معادله موجود در درس ششم:

محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست
مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آرد
عشق چون آید بزد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌گشت اول چراغ خانه را
عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را / سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را
شانه می‌آید به کار زلف در آشفته‌گی / آشنایان را در ایام پیریشانی بپرس

دوپینگ فوری درس هفتم

تکات قلمرو زبانی

• جمله‌های دارای الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» موجود در درس هفتم:

مَحَبَّت چون به غایت رسد، آن (مفعول) را عشق (مسند) خوانند.

کسی را مسلّم شود که خود (مفعول) را ایثار عشق (مسند) کند.

تا آنگاه که آتش عشق (نهاد) او (مفعول) را چنان (مسند) گرداند که همه جهان (مفعول)، آتش (مسند) ببند. او (نهاد) بنده خود (مفعول) را عاشق (مسند) خود کند.

برخی (نهاد) عاشق (مفعول) را دیوانه (مسند) می‌پندارند.

عشق حقیقی (نهاد) دل و جان (مفعول) را پاک (مسند) می‌گرداند.

• نمونه‌های حرف «را» به عنوان «حرف اضافه» به معنی «از، با، به، برای، بر» در درس هفتم:

در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود که با خود نباشد. (بر)

آن گاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید. (به)

چو از شمع رسد پروانه را. (به)

بی عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟ (برای)

• نمونه‌های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس ششم:

می‌تواند حلقه بر در زد حریم حسن را در رگ جان، هرکه را چون زلف، پیچ و تاب است

• فک اضافه:

۱- بر در حریم حسن ۲- در رگ جان هر که



نکات قلمرو ادبی

• آرایه تشخیص موجود در درس هفتم:

عشق هرکسی را به خود راه ندهد / عشق بنده را به خدا رساند / جز او (= عشق) زخت دیگری ننهد / در عالم پیر هر کجا بُرنایی است / سر برآرد دلم به شیدایی / صبر بر داغ دل سوخته چون شمع (صبر شمع) / رگ جان

• مجازهای موجود در درس هفتم:

پایه (پس، اول پایه، معرفت است): مرحله / سودا (سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد): دیوانگی

• کنایه‌های موجود در درس هفتم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
نپذیرفتن	به خود راه ندهد	روی نشان نمی دهد، جلوه نمی کند	روی ننماید
عاشق شدن	در عشق قدم نهادن	اقامت کردن، ساکن شدن	رخت نهادن
رها کردن	ترک کردن	ترک تعلقات و خودخواهی	با خود نباشد (در عشق قدم نهادن، کسی را مسلم شود که با خود نباشد)
خودخواهی و توجه به نفس	با جان بودن (با جان بودن به عشق در، سامان نیست)	یکی شدن، متحد شدن، مانند خود کردن	به رنگ خود گرداند
رها کردن، ترک کردن	من که ازهر آنچه داشتم اول ره گذاشتم	برجسته شدن	سربرآوردن (بیم آن است کز غم عشقت سر برآرد دلم به شیدایی)
		رسیدن، دست یافتن	می تواند حلقه بر در زد حریم حسن را

• آرایه ایهام تناسب موجود در درس هفتم:

صبر برداغ دل سوخته باید چون شمع / لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست

داغ: ۱- درد و رنج و ماتم

۲- گرم که با واژه‌های سوخته و شمع تناسب دارد.

دوبینگ فوری درس هشتم

نکات قلمرو زبانی

• جمله‌های دارای الگوی «نهاد+ مفعول+ مسند+ فعل» موجود در درس هشتم:

کاغذ مثلث روی پاکت (مفعول) را که برای چسباندن در پاکت به کار می رود، پاره (مسند) کرد.

عبور هواپیما از روی دریای مدیترانه همیشه آدمی (مفعول) را غرق دریای تصوّرات تاریخی (مسند) می کند.

آخرین چراغ امپراتوری روم (مفعول) را موسولینی روشن (مسند) کرد.

باید این شعر معروف خودمان (مفعول) را تکرار (مسند) کنیم.

کاووس کیانی که کی اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند؟ (مصراع اول: کاووس کیانی / «اش»: مفعول؛ کی: مسند)

خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان / این مُلک که بغداد و ریاش نام نهادند (مصراع دوم: این ملک / «اش»: مفعول؛ بغداد و ری: مسند)

صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نیاش نام نهادند (مصراع دوم: «اش» (مرجع آن: یکی چوب): مفعول؛ نی: مسند)

آیین طریق از نفس پیر مُغان یافت / آن خضر که فرخنده پیاش نام نهادند (مصراع دوم: «اش» (مرجع ضمیر: آن خضر): فرخنده پی: مسند)

این همان جایی است که جنگ عظیم ناپلئون روی داد و سرنوشت او (مفعول) را تعیین (مسند) کرد.

• نکات درباره وابسته‌های وابسته (دروس هشتم و نهم):

(۱) ممیز: واحد شمارش، بین وابسته پیشین و هسته. به نمودار زیر دقت کنید:

وابسته پیشین + ممیز + هسته

(۲) صفت صفت: صفتی که برای درجه بندی و توضیح بیش تر یک صفت موجود به کار می رود، و معمولاً رنگ است.

هسته + صفت (بیانی) + صفت صفت

(۳) مضاف الیه مضاف الیه: معمولاً، مضاف الیه مضاف الیه است که بعد از یک اسم عام (مضاف الیه) می آید و به آن مربوط است، و نه به هسته.



هسته + مضاف الیه (اسم عام) + مضاف الیه مضاف الیه

۴) قید صفت: قیدی (واژه‌های تنوین‌دار / خیلی / بسیار / همیشه / فوق‌العاده / به‌شدت / سخت و...) که بین یک موصوف و صفت بیانی می‌آید و درجه و شدت صفت را مشخص می‌کند.
نکته: در شمارش ترکیب‌ها (اضافی / اسمی)، قید صفت محاسبه نمی‌گردد.

هسته (موصوف و اسم) + قید صفت + صفت

۵) صفت مضاف الیه: باتوجه به جایگاه صفت، به دو شکل مختلف دیده می‌شود: هسته + مضاف الیه + صفت / هسته + صفت + مضاف الیه

نکات قلمرو ادبی

• اضافه‌های تشبیهی موجود در درس هشتم:

دریای تصورات / تیغ جفا / نمط (= بساط شطرنج) عشق

• استعاره‌های موجود (مکنیه) در درس هشتم:

شوخی روزگار / حکایت داشتن دیوار / فراموشکار بودن دنیا یا تاریخ

• استعاره‌های موجود در درس هشتم:

پیرمغان - خضر (آیین طریق از نفّس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده‌پیش نام نهادند): شیخ راهنما - راهنما و مرشد

• مجازهای موجود در درس هشتم:

دریای سیاه: مردمان آن ناحیه / کرانه‌های رود فرات: مردمان آن ناحیه / یک روز دنیا بی به روم چشم داشت: مردم دنیا- حکومت یا پادشاهی روم / صد تیغ جفا دیدن یکی چوب: درخت نی / مرداد مه و گاه دی‌اش نام نهادند: تابستان- زمستان / نفّس (آیین طریق از نفّس پیر مغان یافت): سخن / با راه آهن به بروکسل: قطار / قدرت قلم این نویسنده: نویسنده‌گی / چون ابروی معشوقات با طاق و رواق است: خمیدگی ابرو

• کنایه‌های موجود در درس هشتم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
خط از جایی خواندن	تحت فرمان جایی بودن	یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد	انتظار توجه - واهمه داشت
رنگین شدن از خون ضعیفان	ستم، کشتن و قتل عام	دل گرمی	خوشی‌ها و خوبی‌ها (حرارت درونی)
تهی شدن از خویش	ترک تعلقات	دم سردی	سختی‌ها، ناامیدی (اندوه، ناراحتی)
بر نمط (بساط شطرنج) عشق پای گذاشتن	ورود (= عاشق شدن)	درخشیدن خاتم (راستی خاتم فیروزه بواسحاقی / خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود)	اقتدار

• آرایه‌ایه‌ام موجود در درس هشتم:

راستی خاتم فیروزه بو اسحاقی

فیروزه ابواسحاقی: ۱- معدن نیشابور

خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود

۲- انگشتر فیروزه فرمانروایی

دوپینگ فوری درس نهم

نکات قلمرو زبانی

• نمونه‌های حرف «را» به‌عنوان «حرف اضافه» به معنی «از، با، به، برای، بر» در درس نهم:

و هر سال تابستان‌ها را به اصل خود، مزینان برمی‌گشتیم. (تابستان‌ها را = در تابستان‌ها)
و راه رفته را باز آمدند. (از راه رفته باز آمدند)

• جمله‌های دارای الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» در درس نهم:

ناگهان منقلب شد. شهر را و گیرودار شهر (مفعول) را رها (مسند) کرد.
شگفتا که نگاه‌های لوکس مردم آسفالت‌نشین شهر (نهاد)، آن (مفعول) را کهکشان (مسند) می‌بینند.
صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها (نهاد) که درونم (مفعول) را پر از خدا (مسند) می‌کرد.

۱- شکل اول: هسته + وابسته پیشین (صفت مضاف الیه) + مضاف الیه

۲- شکل دوم: هسته + مضاف الیه + صفت بیانی مربوط به مضاف الیه (صفت مضاف الیه)



نکات قلمرو ادبی

• اضافه‌های تشبیهی موجود در درس نهم:

چراغ علم و فلسفه و کلام / زندان شهر / عطر الهام / باران‌های غیبی سکوت / مشت خونین قلب / قندیل پروین / سموم سرد این عقل بی‌درد / درخت بیداد

• اضافه‌های استعاری (استعاره و تشخیص) موجود در درس نهم:

سینه کویر / سربر شانه نهادن درختان / سربر آوردن چشمه / غرفه آسمان / حلقوم چاه / کویر بی‌فریاد / خوابیدن هیاهو / از راه رسیدن ماه / روح کلمات / عقل بی‌درد و بی‌دل / اذان گفتن باد / تکبیرة الاحرام گفتن علف / قد قامت الصلاة گفتن موج

• استعاره‌های موجود (مصرحه) در درس نهم:

میوه دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود: تعلیم به دانش آموزان / گل‌های الماس می‌شکفت: ستارگان / دریای سبز معلق: آسمان / الماس پَر: پرتو و درخشش ستارگان / عالم پرشگفتی و راز: آسمان (در درس کویر) / آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر: آسمان (در درس کویر) / خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا»: سیر و سلوک ذهنی و معنوی نویسنده، گشت‌وگذار چشم نویسنده در آسمان

• مجازهای موجود در درس نهم:

تاریخ بیهق: کتاب تاریخ بیهق / چشم‌ها را منتظر نگاه داشت: افراد / از آن سخن می‌گوید: فیلسوفان و تعالیم مذهبی فلسفی / مذهب بدان می‌خواند: علمای مذهبی / از ستاره‌ها حرف بزنند: سخن / آن شب نیز من خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم: جسم، وجود / همه چشم در زمین، که آنجا می‌توان...: مادیات / دیدارها همه بر خاک: نگاه / خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا»: معراج پیامبر / باد، سرو، علف، موج (که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را پی تکبیرة الاحرام علف می‌خوانم / پی قد قامت موج): تمام عناصر طبیعی

• کنایه‌های موجود در درس نهم:

کنایه	مفهوم	کنایه	مفهوم
بر یک مهر و نشان بودن	تغییر نکردن	سرسپردن	تسلیم شدن
باب علم باز بودن	فراهم آمدن امکان کسب علم برای همه افراد	چشم‌ها به او بود	توجه همه را جلب کرده بود
جوانی را به پایش ریخته بود	صرف کردن عمری ارزشمند برای ...	نشانی از او بود	یادآور او بود
کناره گرفت	دوری کرد	دست و پا گیر...	مقید و گرفتار و ایجاد دردسر
گرم تماشا بودن	کاملاً مشغول بودن	غرق بودن در...	سخت سرگرم چیزی شدن
از غیب سر می‌زنند	طلوع کردن	کنار زدن کلمات	باطن را به ظاهر ترجیح دادن، دریافتن اصل مطلب
دیدارها همه بر خاک	نگرش مادی، همه توجه به زمین بودن	علم عددبین مصلحت‌اندیش	علم حسابگر و مادی
تلخی دانایی بر لب داشتن	گفتن سخن عالمانه اما آزاردهنده	ره می‌بر با پای دگر	انتخاب راه و روش متفاوت

دوبینگ فوری درس دهم

نکات قلمرو ادبی

• اضافه‌های تشبیهی موجود در درس دهم:

باران خورشید / گل نقش امید

• استعاره‌های موجود در درس دهم:

برگ‌وبار - باغ (دیروز اگر سوخت غم برگ‌وبار من و تو / امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو): امید و آرزو یا حاصل زندگی - ایران (کشور) / برزخ سرد (آن‌جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب، آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو): ایران پیش از انقلاب (استبداد حاکم) - ظلم / دشت - خورشید (امروز در دشت آیین‌دار من و تو): کشور و وطن / غبار (غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران): خفقان و ظلم / جویبار (صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو): فضای پاک و امیدبخش انقلاب / گل (برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو): زیبایی‌های انقلاب / باغ - گل (در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو): ایران- دستاوردهای انقلاب / دریا (من می‌روم سوی دریا...): انقلاب و اتحاد / مرغ غمین (ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه! /): مبارزان ناامید و خسته

• استعاره‌های موجود (مکنیه) در درس دهم:

غم سوخت (سوزاند...) / غربت باغ / غرق بودن در غم غربت / آیین‌دار بودن خورشید (امروز خورشید در دشت آیین‌دار من و تو) / منتظر بودن جویبار (صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو) / خواندن گل (برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو) / برخاستن نسیم سحرخیز (با این نسیم سحرخیز، برخیز...) / امیدوار بودن رود (چون رود امیدوارم....)



• مجازهای موجود در درس دهم:

دیروز - امروز - برگ‌وبار (دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ‌وبار من و تو): دوران قبل از انقلاب - دوران پس از انقلاب - زندگی، دستاورد / بهار (امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو): شکوفایی / فصل (این فصل، فصل من و تو است): زمان

• کنایه موجود در درس دهم:

باران خورشید بر دیده باریدن: امیدوار نمودن

• آرایه‌های ایهام و تناسب موجود در درس دهم:

دیروز اگر سوخت ای دوست، غم، برگ و بار من و تو / امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو
 بوی: ۱- آرزو ۲- رایحه
 آن جا در آن برزخ سرد در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو
 تار: ۱- کم‌نور، کم‌سو ۲- تیره، تاریک که با شب تناسب دارد.
 دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آیین‌دار من و تو
 داغ: ۱- سوگ ۲- گرم که با خورشید تناسب دارد.
 چون رود امیدوارم، بی‌تابم و بی‌قرارم من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو
 قرار: ۱- آرامش ۲- وعده دیدار

دوپینگ فوری درس یازدهم

نکات قلمرو زبانی

• نمونه‌های حرف «را» به عنوان «حرف اضافه» به معنی «از، با، به، برای، بر» در درس یازدهم:

من را هم گفتید که بروم، همه را گفتید اما نمی‌شد آقا! (به)

• جمله‌های دارای الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» موجود در درس یازدهم:

دلم (مفعول) را گرم (مسند) کرد.
 عاقبت شما (مفعول) را متقاعد (مسند) کرد.
 زمزمه لطیف و سبک و ملایم شما (نهاد) گمان مرا (مفعول) تأیید (مسند) کرد.
 توپخانه شروع کرده بود و صدای مهیب آن (نهاد)، صدای کودکانه اما خشک کلاش (مفعول) را در خود هضم (مسند) می‌کرد.
 یک خشاب فشنگ (مفعول) را درست در همان نقطه آتش، خالی (مسند) کردم.
 تو (نهاد) که ماشاءالله خوب بلدی آتیش (مفعول) خاموش (مسند) کنی.
 و مرا (مفعول) از خودتان دور (مسند) کنید.
 گرد قاب عکستان (مفعول) را پاک (مسند) کنم.
 تا باز (مسند) کند به روی عالم / دیباچه خاطرات شیرین (مفعول)

نکات قلمرو ادبی

• آرایه «حسن تعلیل» موجود در درس یازدهم:

تا باز کند به روی عالم / دیباچه خاطرات شیرین

ترسم تو را ببیند و شرمندگی کند / یوسف، بگو که هیچ نیاید برون ز چاه

• آرایه «ایهام و تناسب» موجود در درس یازدهم:

نه در شیراز و نه در شهر گنجه / «نظامی» می‌شوم در «قصر شیرین»

نظامی: ۱- نظامی گنج‌ای ۲- فرد نظامی (ایهام)

قصر شیرین: ۱- شهر مرزی در کرمانشاه

۲- قصر متعلق به شیرین (که با معشوقه خسرو و فرهاد تناسب دارد) (ایهام تناسب)

• استعاره‌های موجود (مکنیه) در درس یازدهم:

کنجکاو گلوله توپ، بیرون آمدن ماه / صدای کودکانه کلاش / تلاش تیربارها، دوشکاه، تک تیرها و رگبارها / حیثیت مرگ / بیدار شدن نوبهار خرم

• مجازهای موجود در درس یازدهم:

حرف زیر پا گذاشتن: سخن / کلاس (مثل کلاس، گرم و پرشور حرف می‌زدید): زمان تدریس و وقت مدرسه / آغوش (شما آغوش گشودید): دست / روز (از حال و روز سؤال کردید): روزگار، زمانه و وضعیت / به چشم نمی‌آمد: نگاه (دیدرس) / بچه‌ها که گوشه و کنار پراکنده بودند: اطراف / پا جای



کسی گذاشتن: قدم / توپخانه (توپخانه شروع کرده بود به...) صدای توپخانه / آتش (آن قسمت خاک ریز را که بیشتر آتش به پا می کرد): تیراندازی / چشمستان به من افتاد: نگاه / سنگتان را بشویم: سنگ قبر / عالم (تا باز کند به روی عالم): مردم عالم

• کنایه موجود در درس یازدهم:

کنایه	مفهوم	کنایه	مفهوم
قلبم می لرزید	ترسیدن، مضطرب شدن	دست خودم نبود	بی اختیار بودن
سست شدن پا	گرفته شدن قدرت حرکت	قدم از قدم برداشتن	حرکتی هر چند اندک داشتن
حرف زیر پا گذاشتن	بی توجهی کردن به گفته و سخن کسی	کلافه کردن	عصبانی نمودن
کز کردن	به کنجی خزیدن و در خود فرو رفتن	گرم و پرشور حرف می زدید	گیرا و جذاب
آغوش گشودید	باز کردن دست ها	از کلام نمی افتاد	ورد زبان بودن
گرم کردن دل	مطمئن کردن و شاد ساختن	از جا کنده شدم	بی هوا بلند شدن و به سرعت حرکت کردن
گم کردن خود	از خود بی خود شدن	با خاک یکسان کردن	تواضع در عبادت
برانداز کردن	سنجیدن و با دقت نگاه کردن و بررسی کردن	دور شما جمع شدند و شما را در میان گرفتند	حلقه زدند
پا جای کسی گذاشتن	دقیقا مثل آن شخص عمل کردن	مثل برق و باد خود را به سنگر برسانم	سرعت بسیار
مسلم بود که در میان یا پشت نیروها شما را نمی شود پیدا کرد	ترسو نبودن و اهل عقب نشینی نبودن	آن قسمت خاکریز را که بیشتر آتش به پا می کرد	تیراندازی شدید کردن
تو که ماشاء الله خوب بلدی آتیش خاموش کنی	جلوی حمله دشمن را بگیری	جگر خراش	دردآور و عذاب دهنده
طریق پاکبازی	جان فشانی	به بازی گرفتن....	سخره و بی اهمیت دانستن، بیهودگی

دوپینگ فوری درس دوازدهم

نکات قلمرو زبانی

• نمونه های حرف «را» به عنوان «حرف اضافه» به معنی «از، با، به، برای، بر» در درس دوازدهم:

که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار (برای)

سر پر ز شرم و بهایی مراست / اگر بی گناهم رهایی مراست (برای)

همی داد مژده یکی را دگر (به)

آتش، ابراهیم را نبود زیان (به / برای)

• نمونه های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس دوازدهم:

سرانجام گفت ایمن از هر دوان / نه گردد مرا دل، نه روشن روان (دل من)

جمله های دارای الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» موجود در درس دوازدهم

مگر کاتش تیز پیدا کند / گنه کرده را زود رسوا کند

رخ شاه کاووس پرشرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید

• جمله های مرکب موجود در درس دوازدهم:

چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی / ببايد زدن سنگ را بر سبوی

ز هر در سخن چون بدینگونه گشت / بر آتش یکی را ببايد گذشت

به پور جوان گفت شاه زمین / که رایت چه بیند کنون اندر این؟

اگر کوه آتش بود پسر پریم / از این تنگ خوار است اگر بگذرم

کزین دو یکی گر شود نابکار / از آن پس که خواند مرا شهریار؟

بدانکه که شد پیش کاووس باز / فرود آمد از باره، بردش نماز

سیاوش بدو گفت انده مدار / کزین سان بود گردش روزگار

سر پر ز شرم و بهایی مراست / اگر بی گناهم رهایی مراست

به نیروی یزدان نیکی دهش / کزین کوه آتش نیابم تپش

چنان آمد اسپ و قباي سوار / که گفتی سمن داشت آنذر کنار

چو پیش پدر شد سیاووش پاک / نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک



نکات قلمرو ادبی

• اضافه تشبیهی موجود در درس دوازدهم:

اگر کوه آتش بود بسپرم / کزین کوه آتش نیابم تپش / چو کوه آتش به هامون گذشت
استعاره و تشخیص موجود در درس دوازدهم

مگر کاتش تیز پیدا کند / کزین سان بود گردش روزگار / سوگند خوردن چرخ (چنین است سوگند چرخ بلند)

• استعاره موجود در درس دوازدهم:

چنین است سوگند چرخ بلند: آسمان / زبانه برآمد پس از دود، زود: شعله

• مجازهای موجود در درس دوازدهم:

چنین گفت موبد به شاه جهان: مردم جهان / دل شاه از اندیشه یابد گزند: وجود / ز هر در سخن چون بدین گونه گشت: موضوع / به پور جوان گفت
شاه زمین: ایران / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار: عذاب و رنج آتش دوزخ / پراندیشه شد جان کاووس کی: وجود / جهانی نظاره شده هم گروه:
مردم جهان / سراسر همه دشت بریان شدند: مردم دشت / همی خاک نعلش برآمد به ماه: آسمان / سر پر ز شرم و بهایی مراست: وجود / کسی
خود و اسب سیاوش ندید: خود سیاوش / یکی دشت با دیدگان پرزخون: مردم دشت / خروشیدن آمد ز مد ز شهر و ز دشت: مردم شهر- مردم دشت
/ پیاده سپهبد پیاده سپاه: افراد سپاه / ز دل، ترس و اندیشه بیرون کنیم: کل وجود / روانش ز اندیشه آزاد گشت: کل وجود

• کنایه های موجود در درس دوازدهم:

کنایه	مفهوم	کنایه	مفهوم
تن به گناه نمی سپارد	پرهیز از انجام معصیت	دل بستن	علاقه مند شدن
سنگ بر سب زدن	آزمایش و امتحان	دل گزند یافتن	آزرده شدن
پراندیشه گشتی به دیگر کران	نگران و مضطرب شدن	سراسر همه دشت بریان شدند	مضطرب شدن
ایمن نگردد (سرانجام گفت ایمن از هردوان / نه گردد مرا دل، نه روشن روان)	بدگمانی، مطمئن نشدن	پراندیشه شد جان کاووس کی	بدگمانی
دل بشویم (همان به کزین زشت کردار، دل بشویم، کنم چاره دل گسل)	خود را رها کردن	همی با سیاوش به گفتن نشاند	روبه رو کرد
دمیدند گفتی شب آمد به روز	تاریک شدن هوا در اثر دود زیاد	لیبی پر زخنده دلی پر امید	شادابی
همی خاک نعلش برآمد به ماه	کنایه اغراق آمیز از سرعت اسب	پراگنده کافور بر خویشتن	آمادگی برای مرگ
بر دش نماز	تعظیم کردن	سخن گفتن نرم (سخن گفتنش با پسر نرم دید)	سخنان مهربانانه
نشد تنگ دل، جنگ آتش بساخت	ناامید و ناراحت	یکی دشت بادیدگان پرزخون	کنایه اغراق آمیز از شدت گریستن (= شدت غم و اندوه)
که گفتی سمن داشت اندر کنار	تندرستی و نهایت خوشی و آرامش	دم آتش و آب یکسان بود	سوزنده نبودن آتش، آسیب نرساندن آتش
همی کند سودابه از خشم موی	شدت غم و اندوه و خشم	ز دل، ترس و اندیشه بیرون کنیم	بی باکی و شجاعت
غلام عشق شدن	عشق ورزیدن	همه صاحب دلان راپیشه این است	عارف
دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود	از حد گذشتن، به زور گرفتن (= ظلم و ستم به مردم و اموالشان)	و دشمنان زور آوردند	چیره شدند، مسلط شدند
بنده حلقه به گوش ار ننوازی، برود	مطیع و فرمانبردار	همی با سیاوش به گفتن نشاند	روبه رو کرد

دوپینگ فوری درس سیزدهم

نکات قلمرو زبانی

• نمونه های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس سیزدهم:

آن که هرگز - چون کلید گنج مروارید - گم نمی شد از لبش لبخند، / خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان، / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند
و هر کدام می خواهند معنای صلح را مرادف اول باشند

• جمله دارای الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» موجود در درس سیزدهم:

یوسف، به این رها شدن از چاه دل مبند / این بار می برند که زندانی ات کنند



نکات قلمرو ادبی

• آرایه ایهام موجود در درس سیزدهم:

گرچه بیرون تیره بودو سرد، همچون ترس، قهوه خانه گرم و روشن بود...
 سرد: ۱- مقابل گرم ۲- خالی از مهربانی
 گرم: ۱- مقابل سرد ۲- صمیمی بودن
 قهوه خانه گرم و روشن بود، مرد نقال آتشین پیغام/ راستی کانون گرمی بود کانون گرم: ۱- فضا و محیط گرم ۲- مجلس صمیمی و پرمهر
 این، گلیم تیره بختی هست/ خیس خون داغ سهراب و سیاوش ها....
 داغ [۱- سوزندگی ۲- مهر و نشان]
 خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند
 ناگهان انگار/ بربل آن چاه/ سایه ای را دید / او شغاد، آن نابردار بود/....
 نابردار: ۱- برادر ناتنی ۲- ناجوانمرد

• اضافه های تشبیهی موجود در درس سیزدهم:

چاه غدر/ چاهسار گوش

• استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس سیزدهم:

سرما بیداد می کرد/ ساکت بودن سکوت/ خروش خشم/ کشته هرسو بر کف و دیواره هایش نیزه و خنجر: نیزه و خنجر به گیاه (مشبه به محذوف) به جهت کاشته شدن/ چاه بی شرم/ رخس غیرتمند/ دهان خوان هشتم/ این تزویر، بی شرمانه و پست است/ قصه، بی شک راست می گوید/ شوق رقابت در واژه و عبارت

• استعاره های موجود در درس سیزدهم:

میدانک (صحنه میدانک خود را / تند و گاه آرام می پیمود): قهوه خانه / گرد برگردش، به کردار صدف بر گرد مروارید: سخنان گران قدر / دیگر اکنون آن عماد تکیه و امید ایران شهر: رستم / آری اکنون شیر ایران شهر / تهمتن، گرد سجستانی / کوه کوهان، مرد مردستان: رستم - رستم / در این مقام، طرب بی تعب نخواهد دید / که جای نیک و بد است این سرای پاک و پلید: دنیا

• مجازهای موجود در درس سیزدهم:

سورت سرمای دی بیداهای می کرد: زمستان / پای تاسر گوش: تمام وجود/ آن عماد تکیه و امید ایران شهر: مردم ایران / باز چشم او به رخس افتاد: نگاه / باهل فنا دارد هر کس سر یکرنگی/ باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد: قصد و نیت - کل وجود/

• کنایه های موجود در درس سیزدهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
بدون مهر و صمیمیت	گرچه بیرون تیره بود و سرد	سرمای شدید	سرما بیداد می کرد
گیرا و مؤثر و گرم بودن سخن	آتشین بودن پیغام	صمیمیت و مهربانی	همگنان را خون گرمی بود
گیرایی و مؤثر بودن سخن در دیگران	دم گرم بودن	پرمهر بود	کانون گرم بود
شور و هیجان بسیار داشتن	مست شور بودن	با احساس و با تمام وجود سخن گفتن	گرم گفتن بودن
تازه بودن و تازگی - به ناحق کشته شدن	داغ بودن - داغ بودن خون (خیس خون داغ سهراب و سیاوش ها)	محو شنیدن شدن، دقت و توجه فراوان داشتن	سرتاپا گوش بودن
رستم	جهان پهلوی	ملی بودن ماجرا	روکش تابوت تختی هاست
لبخند همیشگی داشتن	گم نمی شد از لبش لبخند	رستم	خداوند و سوار رخس بی مانند
تأکید بر درستی گفته های خود	سوگند خوردن بر...	وفاداری به مهر و دوستی	بسته مهر راه پیمان
مردن	گویی از تن، هوشش رفته بود و داشت می خوابید	گرفتار بودن، اسیر	طعمه دام بودن
دور شد	گم شد	ناراحت و اندوهگین شدن	کان کلید گنج مروارید گم شد
نهایت غم و اندوه	از صدایش ضجه می بارید	آهسته گفتن	در دل گفتن
نابودی و کشتن	با کمان و تیر دوختن	شدت خشم و نفرت نافذ نگاه	نگاهش مثل خنجر (تشبیه با حذف وجه شبه)
صاحب دلان	با اهل فنا دارد هر کس سر یکرنگی	بلند بودن کمند	شصت خم بودن کمند
		نابودشدن	رفتن سر



دوپینگ فوری درس چهاردهم

نکات قلمرو زبانی

• «را = حرف اضافه = از، به، با، برای، بر» نقش نمای متمم موجود در درس چهاردهم:

چون بُود کاکلیم ما را شاه نیست؟ /

ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریار است.

در خرد و بینش، او را همتایی نیست.

شیرمردی باید این ره را شگرف

که مرا با سیمرغ کاری نیست.

اما هدهد دانا یک یک آنان را پاسخ گفت.

آن گاه برای انتخاب راهبر و پیشوا که در راه، آنان را رهنمون شود.

[قضا را (= از قضا = اتفاقاً): قید] قرعه به نام هدهد افتاد.

گفت ما را هفت وادی در ره است (برای ما) حرف اضافه یا (گفت: در ره ما هفت وادی است): فک اضافه

شما را چراغ فرا می داشت

• نمونه های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره یا «فک اضافه» موجود در درس چهاردهم:

(گفت ما را هفت وادی در راه است: در ره ما هفت وادی است (فک اضافه) و یا

گفت ما را هفت وادی در ره است (برای ما) حرف اضافه

معرفت را وادی ای بی پا و سر: وادی بی پا و سر معرفت

نکات قلمرو ادبی

• ابهام موجود در درس چهاردهم:

عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم رو، سوزنده و سرکش بود

سرکش: ۱- مهارنشدنی و تسلیم ناپذیر

۲- رو به بالا میل و صعود کردن آتش و سالک

• اضافه های تشبیه موجود در درس چهاردهم:

وادی طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا / آفتاب معرفت

استعاره (مکنیه) تشخیص موجود در درس چهاردهم:

پیش آید صد تعب

• استعاره های موجود در درس چهاردهم:

راه (و انیامد در جهان زین راه، کس): عشق الهی / غرق آتش شد کسی کانجا رسید: سوز و گداز عشق / در تحیر مانده و گم کرده راه: سیر و سلوک
عارفانه / سایه، خورشید (صدهزاران سایه جاوید، تو) گم شده بینی ز یک خورشید، تو | سایه در خورشید گم شد (والسلام): سالکان، مخلوقات - خداوند
که نور مطلق است (ذات حق) / طاووس، شیطان (ز نیرنگ هوا و از فریب آرزخانی/ دلت خلد است خالی ساز از طاووس و شیطان): هوا و هوس -
آز / دل چه بندی در این سرای مجاز: دنیای غیر حقیقی و فانی / گلستان - آب صاف - گل (چشم بگشا و گلستان و بین / جلوه آب صاف در گل و
خار): دنیا - جلوه، وجود حق - خوشی، خوبی - ناخوشی، زشتی

• مجازهای موجود در درس چهاردهم:

مجمعی کردند مرغان جهان/ آنچه بودند آشکارا و نهان: همه پرندگان / نیست خالی هیچ شهر از شهریار: کشور / زبان به پوزش گشودند: دهان /
حُسن او در هفته ای گیرد زوال: زمان اندک / گفت ما را هفت وادی در ره است: بیابان / نیست از فرسنگ آن، آگاه کس: مسافت / ملک اینجا بایست
در باختن: دارایی / بعد از آن بنماید پیش نظر: چشم / باز یابد در حقیقت صدر خویش: ارزش و اعتبار / مرد حیران چون رسد این جایگاه: انسان

• کنایه های موجود در درس چهاردهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
بیش ازین، بی شاه بودن راه نیست	مصلحت نیست، مفهوم طبق رسم وقاعده نیست.	باید اورا بجوید و به درگاه او راه یابید	اجازه ورود
شیرمردی باید این ره را شگرف	شجاع و دلآور	زبان گشودن (زبان به پوزش گشودند)	سخن گفتن



آن که به او رو آرد	حرکت به سوی	راز گفتن (هر که داند گفت با خورشید راز)	دوست شدن، محرم شدن
شیدا و دلپاخته گشتند	عاشق	یک سو نهادن	رها کردن
ملک اینجا بایدت در باختن	فدا کردن	غرق (آتش) شدن	گرفتاری و پایبندی
معرفت را وادی ای بی پاور	بی کران، بی ابتدا و بی انتها، بی حد و مرز بودن	هر یکی بینا شود بر قدر خویش	آگاهی
هشت جنت نیز اینجا مرده ای است	بی ارزش	روی در کردن (روی ها چون زین بیابان در کنند)	روبه رو شدن
در تحیر مانده و گم کرده راه	اوج حیرت	در همان نخستین منزل از پا درآمدند	درماندگی و نابودی
همگی را خواب در ربود	خواب فرا گرفتن، خستگی	وان گهی از خود بشو یک باردست	ترک کردن و منصرف شدن، نادیده گرفتن
از خود فنا شدن (فانی شدن از خود)	فراموش نمودن خود	مردانه بودن	شجاعت
چشم بگشا و گلستان و ببین	بادقت بنگر		

دوبینگ فوری درس شانزدهم

نکات قلمرو زبانی

- نمونه های حروف «را» به عنوان «حرف اضافه» به معنی «از، با، به، برای، بر» در درس شانزدهم: گلّه ما را گلّه از گرگ نیست (برای)
- نمونه های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس شانزدهم: گلّه ما را گلّه از گرگ نیست (= گلّه گلّه ما)
- جملات دارای الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» موجود در درس شانزدهم: این بیچاره (مفعول) که لابد و پای برهنه به امید چند ریال عیدی آمده، ناامید (مسند) کنم. حیف نیست که از چنین غازی گذشت که شکمش (مفعول) را از آلوی بَرغان پر (مسند) کرده اند.

نکات قلمرو ادبی

- آرایه ایهام تناسب موجود در درس شانزدهم: در صرف کردن صیغه «بَلَعْتُ» اهتمام تامی داشت که ناگهان ... صرف کردن: ۱- خوردن ۲- پی در پی آوردن، ساخت یک فعل را صرف کردن
- اضافه های تشبیه موجود در درس شانزدهم: نی بیچ حلقوم / شبستان درون / کمرکش حلقوم / صندوقچه سَر
- استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس شانزدهم: بودجه اجازه نمی دهد / زبان نگاه
- استعاره های موجود در درس شانزدهم: غول بیشاخ و دُم: مصطفی (درس کباب غاز) / ستاره ضعیفی در شبستان تیره تاردروم درخشیدن گرفت: امید و راه تازه / این گره فقط به دست خودت گشوده خواهد شد: مشکل / کاه از خودمان نیست، کاهدان که از خودمان است: غذا - معده / درزی ازل: خداوند / گویی حنجره اش دو تنبوشه داشت:
- مجازهای موجود در درس شانزدهم: این خیال را از سرت بیرون کن: فکر، عقیده / دو رنگ پلو: نوع / شرّ این غول بی شاخ و دم را از سر ما بکن: وجود / حقاً که حرف منطقی بود: سخن / لابد این قدرها از دستش ساخته است: قدرت و توان / در این باب: موضوع / مصطفی هم جانی گرفت: نیرو / خوش زبانی: مجاز کلام / همه گوش شده بودند و ایشان زبان: شنونده - گوینده / چین به صورت انداختن: پیشانی / نمره غلطی بود: شماره تلفن / بوی غاز: بوی کباب غاز / که میزبان عزیز ما این یک دم را دیگر خوش نخواند: سخن / ولو مائده آسمانی باشد: غذا / مهمان ها سخت در محذور (محذور) گیر کرده: گرفتاری و مشکل / یک کف غاز را کنده به نیش کشید: خوردن / باز تا چشمت به غاز افتاد: نگاه / دیدم چپ و راست مهمان ها دراز کشیده اند: هر سو / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد: انسان



• کنایه‌های موجود در درس شانزدهم:

کنایه	مفهوم	کنایه	مفهوم
در میان گذاشتن	مطرح کردن	جلوی کسی درآمدن	خوب پذیرایی کردن
وعده گرفتن	دعوت	خط کشیدن	دعوت را پس گرفتن، حذف کردن
سُماق مکیدن	انتظار بی‌پهوده کشیدن	شکم را صابون زدن	انتظار کشیدن پس از مدت‌ها وعده غذا به خود دادن
پای افتادن	اتفاق افتادن، پیش آمدن موقعیت	ساعت‌شماری کردن	انتظار کشیدن، لحظه‌شماری کردن
خیال را از سر بیرون کردن	فراموش کردن	روبه‌راه شدن	مهیا و آماده شدن
آسمان چُل	فقیر، بی‌چیز، بی‌خانمان	بی‌دست‌وپا	ناتوان
بدقواره	زشت و نامتناسب	شر کسی را کندن	رها شدن، خلاص شدن
هر گلی هست به سرِ خودن بزن	هر کاری کردی برای خودت کردی، ضرر و نفعش به خودت باز می‌گردد (معادل امروزی افتخارش ارزانی خودت)	همان غاز مادر مرده	کنایه از بی‌نوا و بیچاره
که از بس شسته بودند، به قدر یک وجب خورد رفته بود	ساییده شدن	گفت «خاک به سرم»	بدبخت شدن، دچار مشکل شدن
بی‌بروبر گرد	حتمی و بدون شک بودن	دست و پا کرده	تهیه و آماده و مهیا کردن
کشف آمریکا و شکستن (شکستن نابودی) گردنِ رستم	کار شاق و سخت	کار از دست کسی ساخته بودن	ازعهده کاری برآمدن، توانایی
چند مرده حلاج بودن	چقدر توانایی داشتن	زیر سنگ پیدا کردن	نهایت تلاش خود را کردن برای کاری سخت و غیرممکن به هر ترتیب
قید چیزی را زدن	منصرف شدن، صرف نظر کردن	ابتدا مبلغی سرخ و سیاه شدن	خجالت کشیدن (= دگرگون شدن = تغییر چهره)
چه خاکی به سرم بریزم	چه چاره‌ای ببندیشم	خدا عقلت بدهد	عقل نداری (جمله به‌ظاهر دعایی)
هزار سال به این سال‌ها	حال و روزگارتان بهتر شود	دنباله افکار خود را گرفت	دوباره به فکر کردن ادامه داد
خاک بر سر ریختن	چاره‌اندیشی	شیوه‌ای سوار کردن	چاره‌اندیشی کردن، نقشه‌ای اندیشید
فکر جای دیگر بودن	حواسش اینجا نیست	دست به غاز زدن	نخوردن
بی‌پا و بی‌معنی بودن	بی‌اساس، بی‌ارزش	در زوایا و خفایای خاطر و مخیله نُشخوار کردن	مرور کردن یا حرف دیگران را تکرار کردن
سری نباید گرفت	جدی گرفتن	سر دماغ آدم	شادمان شدن، روحیه گرفتن
گره گشودن به دست...	حل کردن مشکل	مهارت به خرج دادن	چاره‌اندیشی کردن، کار دقیق انجام دادن
جان گرفتن	سر حال آمدن	چیزی دستگیر کسی شدن	متوجه شدن
مهار چیزی را به جانی کشیدن	هدایت کردن موضوع	آثار شادی در وجناتش نمودار شد	شاد شدن
از خوردن ترکیدن	زیاد خوردن (اغراق)	نونوار شدن	تازه و نو شدن لباس
دست به دامن شدن	متوسل شدن	گاه از خودمان نیست کاهدان از خودمان است	از قدرت و اختیار داشتن (اختیار را نباید از دست داد)، حد نگاه داشتن، زیاده‌روی نکردن در خوردن
دل از عزا درآوردن	سیر خوردن، خوب و کامل خوردن	وبال جان شدن	باعث مشکل و رنج شدن
مصطفی با دهان باز	شگفتی	خوب دستگیر شدن چیزی	متوجه شدن
خاطر جمع بودن	مطمئن	ازعهده چیزی برآمدن	پذیرفتن مسئولیت
از بر شدن	حفظ کردن (به حافظه سپردن)	تمام و کمال دور میز حلقه زده	نشستن
قالب تن درآمدن	اندازه بودن	ازعهده برآمدن	توانایی انجام کاری داشتن
خونسرد بودن	آرامش داشتن	آسوده شدن خاطر	اطمینان و آرامش یافتن
تمام و کمال دور میز حلقه زده	نشستن	قالب تن درآمدن	اندازه بودن
چون تیر از کمان جسته	غیر قابل جبران (تمثیل برای اثبات و تأکید این که لباس دیگر بر نمی‌گردد)	خونسرد بودن	آرامش داشتن
آسوده شدن خاطر	اطمینان و آرامش یافتن	سر سوزنی	مقدار کم



چانه‌اش گرم شده بود	پر حرفی کردن	نوک جمع را چیدن	در سخنرانی از همه سبقت گرفتن
مجلس آرای بلامعارض شدن	سخنران بی‌رقیب بودن	بر منکرش لعنت فرستادن	باور کردن
گوش شدن	کنایه از فرمان‌برداری	فریاد و فغان..... به آسمان بلند شد	بلندی صدا (اغراق)
کتابه چیزی یا کسی یا چیزی را کشیدن	ادعای چیزی داشتن، خواستار چیزی بودن	چین به صورت انداختن	اخم کردن و ناراحتی (تحقیر)
کاسه و کوزه یکی شدن	صمیمی	یک‌صدا	همراه با هم
حق کف دست گذاشتن	مجازات نمودن	شست خبردار شدن	آگاهی یافتن
دل تپیدن	مضطرب و ناراحت شدن، نگرانی پیدا کردن	شش دانگ حواس پیش کسی بودن	حواس کامل داشتن
دامن از دست رفتن	از خود بی‌خود شدن	سر کسی توی حساب بودن	اهل حساب و کتاب بودن
خرخره خوردن	زیاد خوردن، کامل خوردن (خرخره گلو)	سر از تن جدا کردن	کشتن، مجبور کردن
مست کردن	بیخود شدن	بی‌بروبر گرد	بدون تردید و شک، حتماً
در محظور گیر کردن	گرفتاری پیدا کردن، در مقابل امر ناخوشایند قرار گرفتن	دودل ماندن	مردد ماندن
چشم دوختن	خیره شدن	ماسیدن توطئه	گرفتن نقشه و عملی شدن
زیر بغل کسی را گرفتن	کمک کردن	دست‌وپا کردن	فراهم کردن
یک لقمه	مقدار کم	یکریز حرف زدن	بی‌دربی، زیاد
دماغ سوختن	بور شدن، ناکام ماندن و شکست خوردن (= خیط شدن)	روی کسی را زمین انداختن	بی‌توجهی به کسی، رد کردن تعارف
همصدا شدن	همراه شدن، هم‌نظر شدن	از دهنم دررفت	کلام نسنجیده
به نیش کشیدن	خوردن	مثل فخر در رفتن	حرکت توأم باشتاب، بی‌اختیار شدن
به جان غاز افتادن	اقدام برای نابودی	یک چشم به هم زدن	زمان اندک = فوری
کلک چیزی یا کسی را کندن	خوردن یا نابود کردن چیزی	قدم به عالم وجود نهادن	وجود نداشتن طعمه جماعت
آب در دهان خشک شدن	ترس و هراس و تعجب	کاری از دست ساخته نبودن	ناتوانی در کاری
حساب کار خود را کردن	آگاه شدن و درک کردن عواقب کار خود	خود را از تک و تا نینداختن	به ضعف و ناتوانی خود اقرار نکردن، عادی رفتار کردن، حفظ خونسردی
دل به دریا زدن	قبول خطر کردن (= ریسک = جرئت یافتن)	تا حلقوم بلعیدن	بیش از حد خوردن
دین و ایمان باختن	اختیار خود را از دست دادن	کسی را صندوقچه اسرار کردن	محرم به اسرار بودن
صدای بریده‌بریده و زبان گرفته	با ترس و لکنت سخن گفتن	چشم جایی را نمی‌دید	عصبانیت زیاد (اغراق)
شاخ در آوردن	تعجب کردن	نمک‌شناس بودن	قدرشناس
به‌جا آمدن احوال	سرحال شدن	خم به ابرو نیاوردن	ناراحت نشدن، واکنش نشان ندادن
پشت دست داغ کردن	شدت پشیمانی، ترک کردن کاری		

دوبینگ فوری درس هفدهم

نکات قلمرو زبانی

- نمونه‌های کاربرد حرف «را» به‌عنوان جایگزین کسره اضافه یا «فک اضافه» در درس هفدهم: که باشد شادمانی را سزاوار (سزاوار شادمانی)

نکات قلمرو ادبی

- استعاره‌های موجود (مکنیه) در درس هفدهم:

درهای زندگی / جستن شاعر در آسمان توسط خنده / شکفتن خنده / گل آبی، گل سرخ کشورم که مرا می‌خواند / جور ایام / لب جام / پیچ‌وتاب رنج و غم

- مجازهای موجود در درس هفدهم:

نان را از من بگیر: خوراک و نعمت، خیر و برکت (روزی) / هوا را از من بگیر: نفس کشیدن و زندگی / نان و هوا: نیازهای ضروری زندگی / بخند بر شب، بر روز، بر ماه: همه زمان‌ها / آن‌گاه که پاهایم می‌روند و باز می‌گردند: کل وجود / روشنی را، بهار را، از من بگیر: زیبایی‌های طبیعت / کز هر زبان می‌شنوم، نامکرر است: انسان (گوینده)



• کنایه‌های موجود در درس هفدهم:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
شمشیر آمادۀ مبارزه و جنگ	شمشیر آخته	حل مشکلات و امید بخشیدن به شخص	گشوده شدن درهای زندگی
در همه حال	آن‌گاه که پاهایم می‌روند و می‌آیند	گذر زمان و روزها و شب‌ها	آن‌گاه که چشم می‌گشایم و می‌بندم
زنده بودن	نفس کشیدن	مردن	چشم از دنیا بستن
اندوهگین شدن و گرفتار غم و اندوه شدن	گم شدن در پیچ و تاب رنج و غم	ناراحت	خونین دل بودن

دوپینگ فوری درس هجدهم

نکات قلمرو زبانی

• نمونه‌های کاربرد حرف «را» به عنوان جایگزین کسرۀ اضافه یا «فک اضافه» در نیایش:

دلم را داغ عشقی برجبین نه

نکته: به نظر می‌رسد، نقش دوگانه‌ای در حرف «را» مشهود است، هم حرف نشانهٔ مفعول (داغ عشق) و هم به عنوان فک اضافه (بر جبین دلم)

• جملات دارای الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» موجود در درس هجدهم:

این گونه عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند.

بلکه همواره عشق قدیم را موضوع صحیفۀ شعر خود می‌گرداند.

• جملهٔ مرکب (دارای پایه و پیرو) موجود در درس هجدهم و نیایش:

هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم/ و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی، و من از آن تو»، / درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.

به سوزی ده کلامم را روایی / کر آن، گرمی، کند آتش گدایی

اگر لطف تو نبود پرتوانداز / کجا فکر و کجا گنجینهٔ راز؟

نکات قلمرو ادبی

• اضافه‌های تشبیهی موجود در درس نیایش:

ندارد راه فکرم روشنایی / کجا فکر و کجا گنجینهٔ راز؟

• استعاره (مکنیه) و تشخیص موجود در درس هجدهم:

جان صادق / عشق جاودانی، همواره معشوق را جوان می‌بیند. / دست زمان

• استعاره‌های موجود در درس هجدهم و نیایش:

گرد و غبار و جراحات پیری: آثار و نشانه‌های پیری / الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز: عشق / دلی در وی درون درد و برون درد: درد عشق

• مجازهای موجود در درس هجدهم و نیایش:

چه حرف تازه‌ای: سخن / گردوغبار و جراحات پیری: سفیدی موی و گذشت عمر / الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز: کل وجود / هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست: عشق / دل افسرده غیر از آب و گل نیست: جسم و پیکر بی‌روح انسان / دلی در وی درون درد و برون درد: وجود / دلم را داغ عشق بر جبین نه: وجود / زبانم را بیانی آتشین ده: سخن / ندارد راه فکرم روشنایی: هدایت

• کنایه‌های موجود در درس نیایش:

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
عاشق کردن	داغ عشق بر جبین دل نهادن	عاشق نبودن - بی‌ارزشی	افسرده بودن دل (دل افسرده غیر از آب و گل نیست)
راه دشوار و پر از سختی	راه پیچ‌درپیچ (به راه این امید پیچ در پیچ)	سخن گیرا	بیان آتشین

فوت و فن تشریحی نویسی

تمام نکات و اشتباهات احتمالی در تشریحی نویسی

پایه دوازدهم (رشته های نظری)
فارسی



نکات مهم امتحانات تشریحی درس فارسی



- دانش‌آموزان بیشترین ضربه را از قسمت **معنی نظم و نثر** می‌خورند؛ زیرا در این قسمت هر کس از نگاه خودش معنی روان را ارائه می‌دهد و دانش‌آموزان در این قسمت در بیشتر موارد زیاده‌گویی یا کم‌گویی می‌کنند. در صورتی که باید خلاصه و مفید مفهوم سؤال را برسانند و وقتی که مثلاً یک بیت در این قسمت ۷۵٪ نمره دارد دانش‌آموز باید آن بیت را جوری معنا کند که در آن معنی روان سه کلمه سخت معنی شده باشد، چون **هر کلمه ۲۵٪** نمره داشته است. یا وقتی یک مصراع بارم ۵٪ نمره‌ای دارد به این معناست که آن مصراع دو کلمه سخت دارد که در معنی آن دو کلمه سخت معنا شده باشد.
- بخش واژه‌نامه پایان کتاب که به معنی واژه‌ها می‌پردازد. از اونجایی که اطلاعات دیگری هم علاوه بر معنی در آن می‌توان برداشت کرد منبع خوبی برای طرح سؤال‌های مختلف می‌تواند باشد. از جمله: املاي درست کلمات - هم آوا - مفرد و جمع - هم خانواده. به همین دلیل توصیه می‌شود زمان مناسبی برای بخش معنی واژه در نظر گرفته شود و معنی هر کلمه به‌طور کامل و با تمام توضیحات آن خوانده شود. کلماتی که معنی یکسان دارند هم دسته‌بندی شود که در این مهر و موم‌های اخیر شیوه‌ای نو برای طرح سؤال بوده است. همچنین کلمات و افعالی که چند معنی مختلف و چند کاربرد متفاوت دارند جدا در نظر گرفته شود. نمونه: اندیشه - همت و ..
- در قلمرو فکری دانش‌آموزان باید به مفهوم سؤال دقت کرده و بدانند که فهمیدن درست سؤال مخصوصاً در این قسمت نصف جواب است و در جایی که از شما مفهوم سؤالی را می‌خواهند باید در حد چند کلمه خلاصه و مفید مفهوم آن بیتی که از ما خواسته شده است را بنویسیم و مثلاً اگر از ما خواسته شد که مفهوم بیت زیر را بنویسید ما نباید تک‌تک کلمات را معنی کنیم، زیرا مصحح به دنبال معنی نویسی ما نیست بلکه به دنبال **نوشتن کلمات کلیدی** برای جواب سؤال است. گاهی تمرکز بیشتر بر روی مصرع دوم در رسیدن به مفهوم بهتر می‌تواند به ما کمک کند.
- در بخش‌های روان‌خوانی و شعرخوانی و گنج حکمت، کلیت و نمای کلی متن در نظر گرفته شود؛ یعنی دانش‌آموز با خواندن کل متن حتی در حد چشم‌خوانی نیاز است از فضای متن و نمای کلی آن اطلاع داشته باشد.
- نمونه ابیات ذکر شده در قرابت معنایی بخش قلمرو فکری کارگاه درس به دقت موردتوجه قرار گیرد.
- در قسمت قلمرو فکری زیاد به دنبال معنای ظاهری بیت نباشید بلکه باید از ظاهر کلمات عبور کرده و پی به عمق معنای آن بیت ببریم.
- در قسمت قلمرو ادبی دانش‌آموز باید زمانی که از او آرایه‌ای را می‌خواهند فقط نام همان آرایه به کار رفته را بنویسد و اگر از او خواسته شده بود که آن آرایه را توضیح دهید باید بیشتر گسترش دهند. در غیر این‌صورت نیاز به انجام چنین کاری نیست.
- کنایه‌های درس کباب غاز - نمادهای درس‌های: سیمرغ - نی نامه - فصل شکوفایی - دماوندیه با دقت بیشتری خوانده شود.
- در داستان‌ها به: زاویه دید - شخصیت - فضا سازی - نقطه اوج داستان توجه شود.
- در قسمت دستور باید حواسمان به‌صورت سؤال‌های شبیه به هم باشد مثلاً وقتی حذف به قرینه معنایی را می‌خواهند همان قرینه معنوی است.
- در قسمت قلمرو زبانی در مبحث وابسته و وابسته نمودار باید به‌صورت دقیق و ریز ترسیم شود. و هرکدام باید به قسمت مربوطه وصل شود.
- در قسمت تشخیص مفعول حواستان باشد که زمانی نقش مفعول را می‌خواهد اشتباهی مضاف‌الیه کنار مفعول را به‌عنوان مفعول در نظر نگیرند. به مفعول‌هایی که به شکل جمله بعد از برخی افعال مفعول پذیر مثل: گفت - تعریف کرد - شنید و ... توجه داشته باشند.
- توجه به ترکیب‌های اضافی که با «را» ی فک ساخته می‌شوند. کان سوخته را جان = جان آن سوخته
- برای املا مواردی که در کارگاه درس، شعرخوانی، روان‌خوانی، گنج حکمت‌ها، ستایش و نیایش آمده، توجه شود، چون دانش‌آموز در این بخش‌ها کمتر به املا توجه دارد از قسمت‌هایی است که می‌تواند نظر طراح رو به خودش جلب کند.
- در قسمت تاریخ ادبیات باید به مترجم یا مؤلف یک اثر دقت شود. مثلاً زمانی که از کلیله و دمنه صحبت می‌کنند باید بدانیم مؤلف این کتاب نامعلوم و مترجم آن نصرالله منشی است. به نوع ادبی هر درس و عنوان درس‌ها هم توجه شود. آثار مشترک یک شاعر یا نویسنده در چند درس هم موردتوجه قرار گیرد.
- در قسمت املا و معنی لغت باید به کلمات هم آوا و مشابهت‌های املایی دقت شود و همچنین در قسمت معنی لغت باید به تمامی معانی یک کلمه اشراف داشته باشیم.

با آرزوی موفقیت

گروه زبان و ادبیات فارسی ماز

